



# انترناسیونال

## ۳۸۲

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۷ دی ۱۳۸۹، ۷ ژانویه ۲۰۱۱

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه

### محکومیت بهنام ابراهیم زاده به ۲۰ سال زندان یک جنایت آشکار است

### گزارشگران بدون شرم



Free  
Behnam

فعالین سندیکای واحد نیز همچنان در زندان هستند. این احکام تعرض حکومت منفور اسلامی نه فقط به کارگران بلکه به کل جامعه است و باید پاسخی محکم و قاطع بگیرد. با

صفحه ۱۱

بهنام ابراهیم کارگر لوله سازی پلی اتیلون شورآباد شهر ری، فعال کارگری و مدافع حقوق کودک را پس از چندماه زندان و شکنجه و تهدید و پاپوش دوزی، به اتهام "محاربه" به ۲۰ سال زندان محکوم کردند. جرم او تلاش برای متشکل کردن کارگران و مبارزه در راه بهبود زندگی کودکان کار و خیابان است. در روزهای اخیر رضا رخشان دبیر سندیکای کارگران هفت تپه را هم زندانی کردند. رضا شهابی و چندین نفر از



کاظم نیکخواه

یکی از خدمات مهم کمپین نجات سکینه محمدی به مبارزه سیاسی در ایران این بود که خیلی از ماسکها را کنار زد و حقیقت نه چندان دلچسب پشت خیلی از ژستهای دروغین حقوق بشری را جلوی چشم گذاشت. در این زمینه لیبرال اسلامیهایی وطنی یا همان دوم خردادپها کارنامه شان از بقیه درخشان تر بود. اینها فعالانه تلاش کردند و میکنند که این کمپین عمیقاً انسانی و عمیقاً آزادیخواهانه را که بدون اغراق میشود گفت ضربه کاری ای به موجودیت حکومت اسلامی زد را مخوش و لوٹ کنند. برآستی هیچ چیز برای نیرویی که خود را طرفدار حقوق انسانها و در ضدیت با جمهوری اسلامی تعریف میکند، شرم آور تر از این نیست که بر مبارزه ای که علیه این حکومت و در دفاع از حقوق انسانی در جریان است و این حکومت را زیر فشار جدی ای قرار داده است، خاک بپاشد و در مورد آن شائبه پراکنی کند. سازمان گزارشگران بدون مرز "نیز با اینکه خود را بدون مرز اعلام کرده اما هصدا با بقیه دوم خردادپها به این تلاش نا مقدس پیوسته است و نشان میدهد که به این رگه از سیاست در ایران تعلق دارد. دوم خردادی ها ابتدا چهره شهیرترشان را که جایزه نوبل صلح هم گرفته است یعنی شیرین عبادی را جلو انداختند و او با زمختی و کراحت باور نکردنی ای اعلام کرد که کل این کمپین علیه سنگسار کار وزارت اطلاعات است! بعد یکی از چهره های اکثریتی بنام جواد طالعی با اسم و رسم شروع به اتهام زنی و توهین به مینا احدی کرد و شماری دیگر هم با یا بدون اسم و رسم به همین کار مشغول شدند. و بعد که جوابشان را گرفتند و دیدند خراب کرده اند، بجای اینکه صفحه ۲

### بزواک خواست افزایش دستمزد در درون حکومت

### خیزش ۸۸ و اعترافات سران حکومت

کرده و تا کنون دهها جلسه در پشت پرده برپا کرده و بر سر خود کوبیده اند، که با این موضوع که مساله معیشت و زندگی کل کارگران است، آنهم در دل این شوک ترومی که ایجاد کرده اند و جامعه در حال خشم و در صفحه ۳

شهلا دانشفر

مساله میزان حداقل دستمزد برای سال آتی موضوع بحث داغی در درون حکومت و در میان کارگران است. جمهوری اسلامی مدتهاست بحث بر سر این موضوع را شروع

رژیم، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان و سردار احمدرضا نقدی فرمانده سابق سپاه و مسئول مستقیم سرکوبها و دزدی های سالهای اخیر و رئیس کنونی سازمان بسیج مستضعفین برگزار صفحه ۱۲

هادی وقفی

هفته گذشته مراسمی با عنوان "همایش سراسری مسئولین ستادهای دهه فجر انقلاب اسلامی" با سخنرانی علی لاریجانی رئیس مجلس

### سر نوشت نامعلوم بانک مرکزی

رژیم چندین ماه است که موضوع کشمکش بین جناحهای جمهوری اسلامی است. این کشمکش ها در قدرت و تسلط بر ارگانهای مالی

بهرروز مهرآبادی بانک مرکزی یکی از مراکز مهم است. این کشمکش ها در قدرت و تسلط بر ارگانهای مالی

### بیانیه اعلام موجودیت سازمان

### "اتحاد علیه بیکاری در عراق"

صفحه ۶

### صفحات دیگر

به بهنام ابراهیم زاده ۲۰ سال حکم زندان دادند

صفحه ۱۰

در چند روز گذشته هزاران کارگر در نقاط مختلف کشور دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده اند!

صفحه ۹

اعتصاب قدرتمند سه هزار و پانصد کارگر کارخانه لاستیک

سازی بارز در کرمان!

صفحه ۸

مردم سنج با شجاعت و قاطعیت نیروهای

سرکوب را عقب راندند

صفحه ۱۱

رضا رخشان راهی زندان شد

صفحه ۱۰

هفته خونین رژیم، هفته اعتراض مردم

صفحه ۷

### در حاشیه حکم ۲۰ سال زندان برای بهنام ابراهیم زاده

ناصر اصغری، صفحه ۱۲

### مردم بولیوی توانستند، ما هم می توانیم!

حسن صالحی، صفحه ۱۱

### بازتاب هفته

داستان دو قتل و یک اعتراض

یاشار سهندی

کتک درمانی، سگ درمانی شیوه اسلامی ترک اعتیاد

بهرروز مهرآبادی

در حاشیه بیانیه اخیر کروبی: "اگر امام زنده بود....."

محمد شکوهی

داستان یک جدل و یک صف بندی

فرح صبری از ایران

صفحات ۵-۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## گزارشگران بدون شرم...

از صفحه ۱

کمی خجالت بکشند و سرشان را پایین بیندازند و به این کار زشت ادامه ندهند "گزارشگران بدون مرز" را جلو انداخته اند که گرچه با احتیاط و بدون اسم بردن، اما دقیقاً همان کار را ادامه دهد. جریان "گزارشگران بدون مرز" که ظاهراً قرار است از حقوق بشر یا حداقل حقوق گزارشگران بدون توجه به مرز دفاع کند، آمده است و به دولتها میگوید "از آغاز ماجرای" سکینه محمدی آشتیانی "جمهوری اسلامی ایران از این پرونده برای فریب رسانه‌ها و دور ساختن توجه افکار عمومی از شرایط وخیم زندانیان سیاسی سواستفاده می‌کند. دو خبرنگار آلمانی در واقع گروگان‌های رژیم تهران هستند که می‌خواهد در مذاکرات با غرب از آنها بهره برداری کند." اینجا ظاهراً دیگر حمله‌ای از نوع وقاحت شیرین عبادی و آن شخص اکثریتی علیه کمپین نجات سکینه در کار نیست. این جمهوری اسلامی است که دارد از این "ماجرا" سوء استفاده می‌کند. اما کمی در این جملات دقیق شوید و بعلاوه یک مصاحبه که سخنگوی گزارشگران بدون مرز با رادیوی بی بی سی فارسی انجام داده و در ادامه به جملاتی از او اشاره میکنم را بشنوید تا متوجه شوید که این عینا همان خط نامیمونی است که شیرین عبادی مبتکرش بوده است و بخوبی افشاگر "حقوق بشر" لیبرال اسلامی های ایرانی است. اگر اینها فقط میگفتند جمهوری اسلامی با آوردن سکینه و فرزندش پشت دربرین ها میخواهد افکار عمومی را فریب دهد، بهرحال حقیقتی را که همه دارند می‌بینند به زبانی الکن بیان کرده بودند. هرکسی میدانند و می‌بیند که این حکومت زنی پایمال شده را که در آستانه سنگسار و اعدام قرار داشته با زور و تهدید خرد کرده است و برای کم کردن فشار عظیم کمپین ضد سنگسار، وادار به اعتراف علیه خود کرده است و فرزندش را هم که برای نجات جان مادرش از این سرنوشت فجیع تلاش میکرد دستگیر و شکنجه کرده و وادار کرده است بیاید و بر دست داشتن مادرش

مردم شریف جهان بهمراه بسیاری هنرمندان و شخصیتهای سیاسی را به حمایت از مبارزات مردم ایران به میدان آورده است، يك موضوع جدال مردم ایران با حکومت اسلامی را مدتها به تیتتر اصلی رسانه های اصلی جهان تبدیل کرده است و اجازه نداده است سکینه را مثل صدها زن و مرد دیگر بطور گمنام زجرکش کند و فضای جامعه را با يک تازی کفتارهای متعفن اسلامی تشنه خون و جنایت به ارباب بکشانند. اما این جماعت "گزارشگران" گویی هیچکدام از اینها را نمی بینند یا نمیخواهد ببینند و به سران دولتها میگوید ببینید! این کمپین باعث شد که جمهوری اسلامی بتواند به جان زندانیان سیاسی بيفتد! در ادامه به این هم اشاره میکنم که خود این طرفداری از آزادی زندانیان سیاسی شان هم جعلی و قلبی است. حتما این جماعت میگویند ما کمپین را نگتیم بلکه ما اجرای سکینه را گفتیم. گفتیم از همان ابتدای ماجرای سکینه جمهوری اسلامی از این پرونده برای فریب افکار عمومی سوء استفاده کرده است.

سوال هرکسی از این جماعت اینست که واقعا منظور شما از "ماجرای" سکینه چیست؟ منظورتان سنگسار است یا کمپین علیه سنگسار؟ اگر کمپین منظورتان نیست سوال اینست که آیا بنظر شما کلاسنگسار سیاست همیشگی و هویتی جمهوری اسلامی نیست؟ آیا میدانید که همین سکینه از بیش از چهار سال پیش تا کنون در زندان و زیر سنگسار قرار دارد؟ آیا از همان چهار سال پیش کل این پرونده به خاطر این درست شد که افکار عمومی از مساله زندانیان سیاسی معینتی که مورد نظر شماسست منحرف شود؟ بعلاوه مگر سکینه اولین نفر است؟ مگر در کل این سی سال یعنی از همان موقعی که اکثریتی ها و توده ای ها و کل دوم خردادی ها همگی شان در کنار این حکومت سینه میزدند و جزئی از این ماشین جنایت بودند، قانون سنگسار یکی از قوانین مجازاتهای اسلامی حکومت نبوده است؟ مگر جمهوری اسلامی حداقل تا آنجا که اسامی بدست آمده نشان میدهد بیش از

۱۵۰ زن و مرد را سنگسار نکرده است؟ مگر قرار نبود سکینه هم یکی از این سنگسار شدگان گمنام باشد؟ آیا این جمهوری اسلامی بود که نام سکینه و موضوع سنگسارش را در دنیا سرزبانها انداخت یا نیروهای ضد سنگسار و ضد حکومت کثیف اسلامی و در راس آنها مینا احدی و کمیته علیه سنگسار؟ پس منظورتان از اینکه از ابتدای ماجرای سکینه جمهوری اسلامی از این پرونده برای فریب افکار عمومی و دور ساختن توجه افکار عمومی از شرایط زندانیان سیاسی استفاده میکند چیست؟ جواب برای ما و هرکس که ذره ای از سیاست سر در بیآورد روشن است بحث بر سر خود مجازات سنگسار و بطور مشخص سنگسار و اعدام سکینه نیست بلکه بر سر کمپین علیه سنگسار است. خشم اینها از کمپین نجات سکینه است. بیشتر از هر چیز این واقعیت حالشان را خراب کرده است که کسی بنام مینا احدی که يك کمونیست و بویژه يك کمونیست کارگری است در راس این کمپین قرار دارد. و بیشتر همین باعث شده است که خود را به هر مضحکه ای بیندازند تا کمپینی انسانی را لوث کنند. و اینجاست که میتوان اوج ضدیت اینها با کمونیسم و در عین حال کنه بازی حقوق بشری اینها را لمس کرد. واقعا کسی که ذره ای عرق دفاع از حقوق انسانی یا بطور مشخص حقوق زنان یا ضدیت با دخالت جنایتکارانه مذهب در زندگی مردم را داشته باشد از این کمپین با شکوه سر شوق می آید و در حد توانش از آن دفاع میکند. حقیقت غیر قابل انکار اینست که ماشین سنگسار جمهوری اسلامی با این کمپین به گل نشسته است. حکومت اسلامی به انزوی جدی ای رانده شده است. توجه به جنبش آزادیخواهی در ایران و زندانها و شکنجه و بی حقوقی های بخشهای مختلف مردم و بویژه زنان بسیار بسیار بیشتر شده است. چپ و کمونیسم بیشتر به وسط صحنه آمده است. و ذهن چندان پیچیده ای نمیخواهد که کسی بفهمد که اتفاقا زمینه و شرایط برای مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی هم بسیار

فراهم تر شده است. آیا مشکل دوم خردادیها با همه اینها نیست؟

## "میدان بازی زندانیان سیاسی است نه عادی"

بگذارد کمی هم ژست دفاع از زندانیان سیاسی اینها را خراش دهیم. سخنگوی این نهاد در مصاحبه ای در برنامه چشم انداز بامدادی بی بی سی فارسی میگوید "سکینه محمدی را که يك زندانی عادی است جمهوری اسلامی به مصاحبه میکشد تا بگوید که قتل کرده است و شوهرش را کشته است. این کار را با نسرین ستوده نمیتوانند بکنند. با عمادالدین باقی هم نمیتوانند بکنند. میخواهم بگویم که زمین بازی زندانیان سیاسی است نه زندانیان عادی" (نقل به معنی) خب از این عبارات چه نتیجه ای حاصل میشود؟ اولاً این جمهوری اسلامی نیست که مقصر است بلکه سکینه است که به دلیل سیاسی نبودن به این بازها کشیده میشود! تازه این حکم سطحی و مسخره از کجا آمده است؟ مگر همین ماههای گذشته چهره های زندانی شاخص جناح دوم خردادی حکومت به تلویزیون صدا و سیما جمهوری اسلامی نیامدند و اعتراف نکردند که با اسرائیل و "سی آی ا" برای سرنگونی جمهوری اسلامی همکاری میکرده اند و امثال اینها؟ زندانیان سیاسی دیگری هم در سالهای گذشته زیر فشارها خرد شده اند و علیه خود شهادت داده اند. "زمین بازی زندانیان سیاسی است نه زندانیان عادی". یعنی باید دفاع از زندانیان عادی را کنار گذاشت. واقعا باور نکردنی است و عمیقاً شرم آور است اما این حرف آنهاست. زن زیر سنگسار را باید به حال خود رها کرد. زندانی عادی زیر شکنجه را باید به حال خود رها کرد. و به سراغ زندانیان سیاسی رفت! فقط میتوان گفت تهوع آور است. شاید بگویند ما نگفته ایم که دفاع از زندانیان عادی باید کنار گذاشته شود بلکه منظورمان این است که تمرکز باید روی زندانیان سیاسی باشد. بسیار خوب دوستان عزیز! اگر ما رفتیم و از يك زندانی عادی زیر سنگسار دفاع کردیم و توانستیم جهان را متوجه این مساله کنیم،

صفحه ۳

## نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## پژواک خواست ...

از صفحه ۱  
شهبلا دانشفر

آستانه عصیان است، چه کنند. به سر خود می‌کوبند که امسال در دل شرایطی که "فتنه ای اقتصادی" در راه است، و کارگران و کل جامعه مترصد فرصتی هستند که بیرون بریزند و کل بساطشان را جمع کنند، چگونه می‌توانند خود را از زیر این خطر بیرون بکشند. بله امسال بطور واقعی در شرایطی کاملا متفاوت با هر سال بحث تعیین میزان حداقل دستمزدهاست.

امسال مساله میزان حداقل دستمزدها بیش از پیش به یک موضوع جنجالی و دعوا در درون حکومت تبدیل شده است. این را از اظهارات ضد و نقیضشان می‌توان دید. از یکسو از این صحبت می‌کنند که ظاهرا اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها نرخ تورم را کاهش میدهد و بنابراین دستمزدها به نسبت سال گذشته می‌تواند از افزایش کمتری برخوردار باشد. از سوی دیگر خودشان در دعوایشان از افزایش ۶۰، ۷۰ درصدی نرخ تورم در نتیجه اجرای طرح هدفمند کردن یارانه هایشان سخن می‌گویند و مساله شوک تورمی و پیامدهای اجتماعی آن دو سه سال است که موضوع جدال درون این حکومت بوده است. در ادامه همین دعوهاست که حتی از رقم يك ميليون تومان بعنوان حداقل دستمزد کارگر برای سال آتی صحبت می‌کنند.

عزیز عاملي عضو هیئت مدیره کانون عالی کارفرمایان ایران در گفتگو با مهر از افزایش احتمالی ۱۵ درصد به سطح حداقل دستمزد فعلی یعنی ۳۰۳ هزار تومان سخن می‌گوید و توضیح می‌دهد: "امسال نیز مانند سالهای گذشته شورای عالی کار نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی را در محاسبات حداقل دستمزد لحاظ خواهد کرد که با توجه به اینکه تاکنون این نرخ تک رقمی بوده؛ بنابراین خیلی منطقی است که دستمزد طبق روال سال قبل و بر پایه توافق کارگران و کارفرمایان با توجه به نرخ تورم تعیین و اعلام شود." عزیز عاملي از تک رقمی بودن نرخ تورم سخن می‌گوید، اما قبل از

وی یکی دیگر از همکارانش عباس وطن پرور نماینده کارفرمایان در کمیته دستمزد می‌گوید، کدام کارفرماست که با توجه به اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و افزایش ۶۰ تا ۷۰ درصدی نرخ تورم حاضر به افزایش ۴۰ درصدی دستمزد کارگران باشد. از سوی دیگر عباس کشاورز معتمدی، عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار قزوین پیشنهاد رقم حداقل يك ميليون تومان را بعنوان حداقل دستمزد کارگران در سال آتی را پیشنهاد کرده و در دعوای درون حکومتی شان و انتقاداتی که بسوی هم سراريز ميشود، برملا می‌کند که رقم يك ميليون تومان پیشنهادی او هنوز از خط فقر تعیین شده آمار بانک مرکزی در سال گذشته کمتر است و توضیح می‌دهد که تازه این رقم بدون در نظر گرفتن اثرات قانون هدفمندی یارانه ها محاسبه شده است.

اما دهقان کیا همکار ایشان و عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران در رابطه با همین مساله میزان حداقل دستمزد کارگران و کمیته مزد جمهوری اسلامی در گفتگویی با خبرنگار مهر صلو هشتاد درجه متفاوت صحبت کرده و در پاسخ به این سوال که با توجه به پای‌ین تر بودن نرخ تورم امسال نسبت به یازده و سه درصد تاثیرگذار در تعیین حداقل دستمزد سال گذشته، آیا ممکن است دستمزدها کاهش یابد؟! با استناد به بندی از قانون کار جمهوری اسلامی می‌گوید چون مینا علاوه بر تورم معیشت يك خانوار ۴ نفره است، دستمزد کاهش نمی‌یابد. و در واقع بر نرخ تورمی که خبرنگار مهر عامدانه به پیش کشیده است، صحنه می‌گذارد و همه دلخوشی ای که به کارگران میدهد اینست که دستمزدها کاهش نمی‌یابد! و همانجا کارگران را به توافق منطقی با کارفرمایان و دولت فرامی‌خواند. گفتگویی که بیش از پیش نقش همیشگی

شوراهای اسلامی را بعنوان جاده صاف کن های حکومت برای پیشبرد طرحهای ضدکارگريشان نشان میدهد.

با کنار هم گذاشتن همه این اظهارات به روشنی می‌توان توطئه کثیف و جنایتکارانه ای که این حکومت در قبال زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه در پیش دارد را دید. توطئه ای که برای اجرائيش مزدوران شورای اسلامی و خانه کارگر و مراکز آماري بانک مرکزی و رسانه هایشان همه و همه به خدمت گرفته شده اند، تا به کارگر بقبولانند قدرت خریدش بیشتر شده است و در نتیجه افزایش مزی در کار نیست. بقبولانند که وضع همین است و اگر صدايت درآيد، فتنه گر اقتصادي هستی و جایب در زندان است. دهقان کیا در همین گفتگو صحبت از این می‌کند که ظاهرا قرار است تا پایان سال جاری قیمت ۲۵ قلم کالا واقعی شود و در نتیجه دستمزد کارگر هم باید واقعی شود و می‌کوشد با رندی آخوندی نه تنها کاهش سطح دستمزد کارگران در سال ۹۰ بلکه طرح "هدفمند کردن یارانه های" حکومت را بعنوان گشایشی برای کارگران، قالب کند. و در همین رابطه می‌گوید: "از دولت انتظار می رود تا در زمان آزادسازی قیمتها و اجرائي هدفمندی یارانه ها، دستمزد کارگران نیز واقعی شود و تاثیرات آزاد سازيها در معیشت کارگران دیده شود."

این اظهارات در عین حال اوج دروغگویی و بیشرمی این جانیان دزد را نشان میدهد. نرخ تورم را ده جور می‌پیچند تا تک رقمی اش کنند و بعد هم دستمزد کارگر را افزایش ندهند و زندگی و معیشت بقل خودشان هفت و نیم میلیون کارگر را رقم بزنند. همه این دروغ ها و مزخرفات را هم بعنوان کارشناس و اعضای کمیته مزد جمهوری اسلامی بیان میکنند.

کنار هم گذاشتن همه این اظهارات به روشنی نشان میدهد که اوضاع از چه قرار است. يك مشت دزد و آقا زاده های میلیاردر تحت عنوان کارشناس نشسته اند و دارند بر سر میزان دستمزد کارگران تصمیم می‌گیرند. کمیته مزدشان را تشکیل داده و دعوا و مرافعه شان بالا گرفته

## گزارشگران بدون شرم ...

گناهی مرتکب شده ایم یا موفقیتی قابل ستایش بدست آورده ایم؟ واقعا مجبورید در جایی بایستید که ناچار شوید دست به این بندبازیهایی مضحک بزنید؟! اما ای کاش اینها حداقل مدافع آزادی زندانیان سیاسی بودند. همین دو هفته پیش جمهوری اسلامی يك کارگر و فعال دفاع از حقوق کودکان بنام بهنام ابراهیم زاده را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد که طی سالهای اخیر چنین حکم سنگینی در مورد يك کارگر بی سابقه بوده است. گزارشگران بدون مرز در این مورد يك کلام سخن نگفت. دو زندانی سیاسی علی صارمی معلم و علی محمد سیادت را حکومت دو هفته پیش اعدام کرد. آیا گزارشگران چیزی در مورد آنها گفته است؟ تا آنجا که من میدانم جواب منفی است. دهها نمونه دیگر را نیز میتوان اشاره کرد. فقط زندانیان دوم خردادی یا زندانیان معینی هستند که در لیست افشاگرهای آنها بچشم می‌خورند. تازه ای کاش همینکار را به طور جدی می‌کردند و از آن برای خاک پاسبیدن بر مبارزه دیگری علیه جمهوری اسلامی و دفاع از حقوق انسانها استفاده نمی‌کردند. در

است و در دعوای درونی شان اسرار مگريشان نیز بر ملا ميشود.

خلاصه اینکه موضوع میزان حداقل مزد سال آتی، امسال بیش از هر سال به موضوع کشاکش درون حکومت و به معضل آن تبدیل شده است. در میان این کشاکش ها بهترین فرصت برای ما کارگران است که خودمان جلو بیفتیم. اعلام کنیم که دستمزدمان را خودمان باید تعیین کنیم. و مبنایی را بعنوان میزان دستمزدمان اعلام کنیم. به شوراهای اسلامی و خانه کارگر اعلام کنیم که دیگر اجازه نمیدهیم که نمایش مسخره هر ساله خود را به اجرا بگذارید، ارقام مختلف بر سر میزان دستمزد ما کارگران را به جلو پرتاب کنید و بعد هم جامعه کارگری را به تحمل و صبر فراخوانید. اعلام کنیم که با استناد به همین گفته های خودتان دستمزد ما باید رقمی بسیار بالا تر از این يك ميليون

## از صفحه ۱

آصورت با حمایت قاطع ما و همه بشردوستان مواجه میشوند.

بطور واقعی دفاع جدي از زندانیان سیاسی و مبارزه برای گشودن در زندانها و تاکید بر آزادیهای بی قید و شرط سیاسی را نیز همانهایی دارند به پیش می‌برند که دارند کمپین علیه سنگسار و اعدام را جلو می‌برند. همانها هستند که دارند در حد توان خود برای آزادی همه زندانیان سیاسی مبارزه و تلاش میکنند و بطور مشخص از زندانیان دوم خردادی هم با اسم و رسم فعالانه دفاع کرده اند و میکنند. اگر کسی بطور واقعی از حقوق انسانی بخواهد دفاع کند برعکس گفته این جناب سخنگوی "گزارشگران" باید از حقوق انسانی همه انسانها محکم و بی برگشت دفاع کند. بویژه مبارزه علیه سنگسار و اعدام که دو سیاست پایه ای حکومت منفور اسلامی است يك مبارزه مهم و حیاتی است. بدون تردید جمهوری اسلامی هم تقلاهای خود را برای مقابله با این مبارزات خواهد کرد و هر آدم شریفی زورش را میزند که این تقلاهای حکومت را افشا کند نه اینکه آنها را بهانه ای برای مخدوش کردن مبارزه آزادیخواهانه و انسانی قرار دهد. \*

تومانی باشد که جناب عباس کشاورز می‌گوید. چگونه است که نرخ خط فقر بانک مرکزی در سال گذشته يك ميليون تومان بوده و اکنون با ژست کارشناسانه از يك ميليون تومان مثل صدقه به کارگران صحبت میکنید؟ بگویم میزان مزد ما در قدم اول باید يك ميليون تومان باشد. و تازه این در قدم اول است. بگویم حق ما داشتن يك زندگی انسانی است. اعلام کنیم، که ما نه تنها این يك ميليون حد اقل دستمزد بلکه همه حق و حقوقمان را از حلقوم شما جانیان بیرون میکشیم. و حداقل يك ميليون تومان دستمزد را اولین سنگری خواهیم کرد که با فتح آن طرح یارانه هایتان را هم روی سرتان خراب کنیم و این حضرات شورای اسلامی و خانه کارگر را نیز از سر راهمان برداریم. \*

## انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## بازتاب هفته

### داستان دو قتل و یک اعتراض

یاشار سهندی

جمهوری اسلامی يك برگ دیگر بر جنایات خویش افزود. در صبح چهارشنبه این هفته يك نفر دیگر را به قتل رساند و اسمش را گذاشتند "اجرای سریع عدالت"! در چند روز اخیر در چند شهر ایران جمهوری اسلامی دست به کشتار زندانیان اعم از سیاسی و عادی زده است تا در پرتو آن بتواند پایه های لرزان حکومت ننگین خویش را محکم کند. و این پرده برای تکمیل آن جنایات بود. ۷۱ روز پیش در میدان کاج سعادت آباد قتلی جلو چشم همگان و چشم پلیس اتفاق افتاد و جمهوری اسلامی در همان محل با نقشه قبلی و تهیه مقدمات قتل و تبلیغ آن در صدا و سیما جمهوری اسلامی در ساعت ۶ صبح چهارشنبه دست به قتل قاتل واقعه ۷۱ روز پیش آن زد. در مورد قتل اولی گفتند و نوشتند که تقصیر مردم بود که به داد مقتول نرسیدند در دومین قتل مردم را دعوت کردند که به تماشای قتل بنشینند که دولت مجری آن است. اینجا در خبر آوردند که "عده زیادی از شهروندان تهرانی از نیروی انتظامی تشکر کردند! در ماجرای ۷۰ روز قبل دو جوان به جان هم افتادند که قربانی شرایطی شده بودند که جمهوری اسلامی برای مردم تدارک دیده است و در آن منازعه منجر به قتل یکی از آن دو شد و در دومین قتل که رسماً دولت آنرا تبلیغ کرده بود و به نمایش گذاشت جوان دوم کشته شد تا دل مردم را خالی کنند تا نشان دهند این دستگاه خونریز چه ظرفیتی عظیمی برای جنایت دارد پس سر تان را پایین بیندازید و صدایتان در نیاید.

اما با همه این جنایات در محل قتل فقط کسانی نبودند که از جمهوری اسلامی بخاطر بساط کشتن تشکر کردند(!) بلکه به گزارش رسانه های حکومت عده ای نیز دست به اعتراض زده اند. در سایت آینده میخوانیم که: "در ساعت ۶:۱۰ دقیقه در میان هماهنگی های انجام شده میان مسئولان اجرای حکم اعم از مسئولان پلیس و همچنین نمایندگان دادستانی عدای معلود که مشخص بود وابسته به گروه های مخالف نظام هستند به هواخواهی از قاتل فریاد رضایت رضایت سر دادند که این فریادها

بی نتیجه ماند. " این جمعیت معترض نمی توانست عده ای معدود بوده باشند چون اگر اینگونه بود اساساً خبرش را منتشر نمی کردند. اما گیرم که اینگونه بوده باشد. مشخص است آن "عده معدود" به نفس اعدام اعتراض داشته اند که از آنها با عنوان "وابسته به گروه های مخالف نظام" یاد شده است. حکومت که معمولاً این نمایشات شنیع را آنقدر کش میدهد که تا خوب رعب را در دل مردم بکارد برای اینکه مبادا اعتراضات در محل باعث شود که نتوانند قربانی را بکشند و واقع سیرجان تکرار گردد فوراً و بی درنگ محکوم را به دار کشیدند این نشان میدهد که این بساط کشتار نیز نمی تواند به داد این حکومت قاتلین برسد.

همانگونه اشاره شد در ۷۱ روز پیش که قتلی اتفاق افتاد رسانه های این حکومت به خط شدند تا نشان دهند مردم ایران خشن و بی عاطفه شده اند (گیرم که اینگونه باشد این نیز نتیجه حاکمیت حکومت توحش جمهوری اسلامی است) و به تماشای قتل نشستند و منظر ماندند تا ببینند که مقتول چگونه جان میدهد. ما در همین نشریه تاکید کردیم وقتی که حکومت برای کوچکترین اعتراضی يك لشکر نیروی سرکوب گر میفرستد اما وقتی جلوی چشمشان قتلی صورت میگیرد هیچ کاری نمیکنند تا خود ضارب خودش را تسلیم میکنند این حقیقت تاکید میشود که این پلیس نه وظیفه اش "تامین امنیت جان و ناموس مردم" که تلاش اول و آخرش حفظ حکومت است. آن تاکیدات که مردم تماشاچی بودند و بر ماجرا میخندید فقط برای این بود که نشان دهند برای همچنین مردمی خشن و بی عاطفه دستگاه سرکوبگری مانند نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ضروری است و گر نه همه همدیگر را میدردند! همان رسانه ها با آب و تاب اما ماجرای قتل دولتی را گزارش کردند و از آن دفاع کردند و میکنند قتل عمد دولتی را "چنگال عدالت" می نامند که "هیچ مجرمی" را یارای گریز از آن نیست و این چنگال عدالت هیچ راهی نمی شناسد جز کشتن قربانیان ( همان مجرمان به تعبیر این رسانه ها) مناسباتی که جمهوری اسلامی حافظ و نگهبان آن است. مادام که حکومت اسلامی سرکار است واقعه

روز چهارشنبه باز هم تکرار خواهد شد و جان انسانهایی را خواهد گرفت. این حکومت مانند حکومت فاشیستی هیتلر است که در لحظه تسخیر اردوگاه مرگ اسیران هنوز کوره های آدم سوزی آن مشغول کار بودند. اعتراضات به نفس اعدام در محل جنایت در میدان کاج تهران یاد آور این است که با وجود همه سببیت این رژیم نتواسته مردم را مرعوب کند و میتواند و باید این اعتراضات را گسترش داد تا برای همیشه این بساط قتل و کشتار برچیده گردد.\*

### در حاشیه بیانیه اخیر کروی: "اگر امام زنده بود....."



محمد شکوھی

اوایل هفته ای که گذشت کروی در پاسخ به اظهارات دادستانی پیرامون "محاکمه سران فتنه" با صدور بیانیه ای اعلام کرد: اگر امام زنده بود، کار نظام به اینجا نمی رسید! در ادامه این بیانیه وی اعلام کرد که آماده است محاکمه بشود! همزمان فشارهای باند حاکم بر خاتمی، موسوی و سران موسوم به "جنش سبز" شدت بی سابقه ای یافته و هر روز در این باره در میدانی حکومتی قلم زنی می شود. در این میان کیهان که وابسته به بیت رهبری است در "مبارزه با سران فتنه" سنگ تمام گذاشته و رهبری "پروژه محاکمه سران فتنه" را هدایت می کند. البته همه اینها قطعاً با اجازه شخص خامنه ای در کیهان پیگیری می شود. موضوع محاکمه موسوی، کروی و بخش خاتمی طبعاً یکی از تهدیدات همیشگی بیت رهبری و خامنه ای است و تا وقتی که اینها اظهار پشیمانی نکرده و به "آغوش نظام" برنگشته اند، ادامه خواهد داشت. همانگونه که ما بارها تاکید کرده ایم سران جناح مغضوب حکومت در یک منگنه گیر کرده اند. از اعتراضات مردم بیش از حاکمین وحشت دارند و در عین حال وجود فضای اعتراضی و خطر انقلاب مردم، تنها اهرمی است که میتواند آنها را در برابر توحش برداران جنایتکار در قدرتشان مصون دارد. افت موقتی اعتراضات خیابانی که خود این سران جناح مغضوب نیز در آن نقش داشتند يك عامل مهم تشدید

تهدیدات علیه آنهاست. در عین حال فضای اعتراضات توده ای و انقلابی که هنوز بر جامعه حاکم است، علیرغم این فشارها و تهدیدات عجالتاً اجازه عملی کردن این تهدیدات را نمیدهد. اما برگردیم به بیانیه اخیر کروی! ایشان گفته اند که اگر امام زنده بود کار نظام به اینجا نمی رسید! اینکه کروی هنوز که هنوز است درست مخلص و مرید امام جنایتکارش بوده و هست، جای تعجب ندارد! ایشان هیچ موقع هم منکر امامش نبوده! "رجعت به امام" هنوز که هنوز است يك استراتژی و بخشا راه حل کروی، موسوی و خاتمی بوده و می باشد! کروی در این بیانیه با صراحت لهجه ای که همیشه داشته، به امامش وفادار مانده و در دفاع از امام و نظام جمهوری اسلامی در برابر "اقتدارگرایان و غاصبان قدرت خمینی"، ایستاده و میگوید حتی حاضر است محاکمه اش بکنند، تا "سیره و راه امامش" زنده بماند! اما امام کروی و دوره امام چه بود؟ شخص کروی چه مسئولیتهایی داشته است، که صحبت از دوران "طلایی امامش" می کند؟ بخشی از مسئولیت های ایشان در دوران حیات امامش به این شرح می باشد: موسس کمیته امداد امام، موسس بنیاد شهید، نماینده تام الاختیار خمینی در لرستان، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، سالیان سال نماینده مجلس، رئیس مجلس ششم، نایب رئیس و رئیس مجلس سوم، عضویت در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، موسس و عضویت در جامعه روحانیت مبارز، موسس و دبیر مجمع روحانیون مبارز، در حال حاضر رئیس حزب اعتماد ملی و...! بخشی از این مسئولیتهای کروی در دورانی بود که امامش هنوز زنده بود و ایشان در سنگر "تحکیم" جمهوری اسلامی می جنگیدند! دورانی که دهه اول حیات ننگین جمهوری و سرشار از جنایت و بربریت بود. دورانی که امام آقای کروی با اعلام آمادگی چنین اشخاصی پایه های یکی از دیکتاتورهای عقب مانده و ارتجاعی و وحشی را به ضرب چاقو و سر نیزه، اعدام و زندان و سرکوب به عنوان جمهوری اسلامی بر کرده مردم تحمیل کردند! در این دورانی که امام آقای کروی هنوز جام زهرش را سر نکشیده بود، و ایشان در مسئولیتهای مختلف به نظام جهنمی خدمت می کردند، برای مردم ایران دوران بی سابقه ترین و

حشیگرها و سرکوب های خونین بود. دوران قتل عام های سال ۱۳۶۰، فرمان جهاد خمینی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ برای حمله به کردستان و سرکوب مبارزات مردم کردستان، ترکمن صحرا، آمل، سرکوب مبارزات و اعتصابات کارگری و احزاب سیاسی مخالف نظام و بویژه کمونیستها و دوران تصویب و به اجرا گذاشتن ضد انسانی ترین قوانین و مقررات اسلامی بود! دوره کشتارهای عظیم سال ۶۰ و ۶۷ بود. آن موقع کروی نماینده مجلس و نایب رئیس مجلس بود! موسوی نخست وزیر "محبوب امام" بود که هنوز که هنوز است اعتقاد دارد که از ماجرای قتل عام های سال ۶۷ در زندانهای بی خبر بوده و گفته است که "گروه های خوسر" این کارها را کرده اند و ایشان خبری ندارند! اینها و صدها نکته دیگر که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست، جزو "افتخارات دوران امام" آقای کروی می باشد، که ایشان سنگش را به سینه می زند! اینکه آقای کروی اصرار و ابرام دارد اگر امامش بود کار نظام به اینجا نمی رسید، حاوی نکات دیگری است! واقعیت این است که با برآمد انقلابی مردم در سال گذشته اوضاع کل حکومت و اختلافات حکومتی دیگر مثل دوران امام آقای کروی در حجره ها و محافل بیت امام و با دخالت شخص خمینی تمام شدنی نیست. دیگر این امکان به صف کردن ارادل و اوباش و کاربدستان حکومت وجود ندارد! علاوه بر این موج نفرت و انزجار و اعتراض بر علیه حکومت که در سالهای اخیر عین آتش زیر خاکستر بود، در این دوره دوسال گذشته در قامت يك جنبش عظیم براندازی و سرنگونی خواهی قد علم کرد و دیگری شود اوضاع را بروال سابق برگرداند و براحتی سرکوب و به خونس کشید! باز شن شکاف های حکومتی که ریشه در تناقضات و ناخوانی های کل نظام جمهوری اسلامی با خواستها و ایده ال های مردم تشنه رهایی و آزادی و برابری و رهایی از شر نکبت جمهوری اسلامی دارد، قابل ترمیم نیست. اعتراض و مبارزه در جامعه در همین دوسال گذشته به اندازه سه دهه گذشته رژیم را تضعیف کرده، شکننده تر کرده و ترس حکومت از سرنگونی اش دیگر حرف هر روزه سراننش می باشد! برآمد انقلابی مردم در سال ۸۸ سرآغاز نبرد نهایی مردم برای به زیر کشیدن کل بساط حکومت با هر جناح



## بازتاب هفته

### داستان یک جدل و یک صف بندی فرح صبری از ایران

چندروز بیشتر از قطع یارانه ها نگذشته است که تقریباً همه در خشم فزاینده ای بسر میبرند. هر لحظه قیمت جدیدی از اقلام اساسی مورد نیاز مردم مثل حبوبات و قند و شکر و... بین مردم رد و بدل میشود و آتش خشم همه فروزانتر میشود و شروع به بدو بیراهه گفتن به مسببین فقر و فلاکت مردم میکنند. در هر جایی که گفتگویی در این باره براف میافتند نظرات و تفکرات متفاوتی مطرح میشود. انگار جنگ تفکرات که شاید همیشه در بین احزاب و جریانات سیاسی مطرح بوده حالا در بین مردم کوچو و بازار و محلات و کارخانه ها در جریان است و هر روز این صف بندی تفکرات با سرعت بسیار تندی از هم جدا میشود. برای همین میخواهم چند مورد عینی که برایم پیش آمده را اینجا بگویم. چند روز پیش در دفتر کارخانه کارگران یکی یکی مراجعه میکردند تا حقوق بگیرند و نوبت به علی آقا که ساکت ترین و سر بزیر ترین کارگر کارخانه بود رسید وقتی فیش حقوقی را گرفت شروع به سر و صدا کرد و فریاد میزد "من چه طوری با این حقوق جواب بچه هایم را بدهم؟ دیگه باید چه کار کنم؟ گوشت و مرغ و میوه را که کنار زده ام، با این پول فقط يك خورده ریز بیشتر نمی توانم بخرم. خدا میداند که شبها گرسنه میخوابیم. خجالت میدویند چیه؟ من پیش بچه ام شرم منده شدم که پول تو جیبی نداشتم به او بدهم مدرسه بره" فریادهای او همه را متاثر کرده بود. تا به حال کسی او را این طور ندیده بودم. از آن طرف صدای شنیده شد که در جواب صدا علی آقا میگفت حقوق کارگری همینه، من چکار کنم که تو کارگر شدی؟ می خواستی به فکر کار دیگری باشی. به هر حال تقصیر خودت بوده که هیچ کاری بلد نیستی. کارگری همینه دیگه. حقوق قانونی ات هم همینه، او یکی از افراد مدیریت بود. علی آقا با عصبانیت بیشتری و در حالی که صدایش میلرزید گفت پس من که سالهاست اینجا هر کار سختی را انجام دادم که هنوز چهل سالم نشده صاحب هزار درد شدم تقصیر خودمه؟ من همه این پول را باید خرج دوا دکتر بکنم، پس سختی کاری که کردم چی

شکوفایی اقتصادی میشود و در دراز مدت باعث بهبود وضع همه میشود و.. واکشیت مردم که کارگران زحمتکش و حقوق بگیران هستند که با هیچ منطقی آن را نمی پذیرند و میفهمند که این يك دزدی آشکار از سفرهای مردم است و میدانند این به اصطلاح رونق اقتصادی هیچ ارتباطی با معیشت و زندگی مردم ندارد. اقتصادی که پایه هایش روی خرخره مردم گذاشته شده است و با نابودی هر چه بیشتر زحمتکش و با تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به شکوفایی میرسد باید زیرو رو شود و در اینجا هم با دو صف بندی عمیق و مادی در تفکرات آدمها مواجه میشویم. اوضاع به قدری عینی است که انگار زندگی واقعی مانند آینه ای در مقابل تفکرات متفاوت قرار گرفته است و به سرعت جایگاه طبقاتی هر نظریه را عیان میکند. همین طور در مورد اعدام و سنگسار و .. مرز بندی عمیقی بین دو صف بندی در حال شکل گیری است. باید بگویم در هرتقابل، این تفکرات بروشنی پیداست که حزب کمونیست کارگری اگر چه هنوز به عنوان رهبر آشکار مبارزات مردم برای يك زندگی انسانی مطرح نیست اما تفکرات حزب در جامعه عمیقاً در حال شکل گیری است و میتوان حزب را دید حتی اگر همه آدمها با این حزب آشنایی نداشته باشند، نقش حزب در عمق دادن به این صف بندی کاملاً پیداست و این صف بندی دو پرچم دارد یکی پرچمی که در دست حزب کمونیست کارگری است که میخواهد تمام مناسبات سرمایه را زیرو رو کند و در مقابل تمام بورژوازی

### کتک درمائی، سگ درمائی شیوه اسلامی ترک اعتیاد



بهروز مهر آبادی

با تمام عیان و انصارش که میخواهد با هر قیمتی از مناسبات پوسیده سرمایه داری دفاع کند.\*  
در لایبالی صفحات رسانه های مختلف اینترنتی، این عبارت آشنا را بارها می توان دید: "فقط در جمهوری اسلامی می توانید ببینید". زیر این عنوان معمولاً تصاویری نشان می دهد که حاکی از توحش و جهالت حکومت اسلامی و آثار فاجعه آمیز فقر و فلاکتی

است که بر جامعه تحمیل کرده است. عنوان این مطلب نیز فقط می تواند در جمهوری اسلامی معنی پیدا کند. رسانه های داخل ایران خبر از وجود بیش از هزار مرکز ترک اعتیاد دادند که در آنها از شیوه های کتک زدن، انداختن سگ به جان معتادان، انداختن به استخر آب یخ، بستن با زنجیر و انواع شکنجه های دیگر استفاده می شود. به گفته مقامات رسمی رژیم این مراکز که هزاران نفر معتاد در آنها زندانی هستند، از حداقل استانداردهای بهداشتی برخوردار نیستند. محیط آلوده و کثیف این کمپ ها خود منبعی برای ابتلا به انواع بیماریهای عفونی است. فیلم ها و تصاویر متعدد از معتادانی که با زنجیر بسته شده اند و آثار شکنجه بر تن آنها، در سایت های اینترنتی قرار گرفته است. در گزارش های منتشر شده بسیاری از معتادان از رفتار غیرانسانی در کمپ ها خبر داده اند و کارکنان این کمپ ها کتک زدن و به زنجیر بستن معتادان را به عنوان يك شیوه متداول اعلام می کنند. بر اساس این گزارش ها تعداد زیادی از معتادین در این مراکز جان خود را بر اثر شکنجه از دست داده اند و بسیاری از آنان به بیماری های جسمی و روانی درمان ناپذیر مبتلا گشته اند. ابعاد فاجعه و فشار افکار عمومی آقدر زیاد بود که مقامات رژیم را وادار به واکنش نمود، این مراکز را غیرمجاز اعلام کرده و برای آنها مهلتی برای دریافت مجوز گذاشتند.

در ایران آمار معتبر وجود ندارد اما بر اساس گزارش های انتشار یافته تعداد معتادان را می توان بیش از دو میلیون نفر تخمین زد. بر اساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر سازمان ملل، ایران دارای بیشترین معتاد نسبت به جمعیت در بین کشورهای جهان است. فقر و فلاکت، فشار و تحقیر و بی ارزشی

### در حاشیه بیانیه اخیر کروی: "...

از صفحه ۴

دار و دسته اش می باشد که بحران حکومت و ایده "اصلاح نظام" را نقش بر آب کرده است! مردم مدتهاست که از اصلاح طلبان قدیم و "مدافعان سیره امام" عبور کرده اند! دیگر نه امامی مانده و نه شخصیت کارسماهی جنایتکاری نظیر خمینی که بتواند کل باندهای حکومتی را دور خود جمع و جور نماید! آقای کروی حسرت "نقش امام" را در دوران های بحرانی حکومت که با هر بده و بستان و حیل و کلک آخوندی که لازم بود، خمینی را تبدیل

به چسب نظام کرده بود، را می خورد! آن دوران مدتهاست سپری شده و به تبع آن دوران هر گونه اصلاح و "تساهل و تسامح" هم تمام شده است! دوره کنونی دوره انقلاب و حرکات انقلابی مردم و به صحنه آمدنش برای گذاشتن نقطه پایان بر حیات بیش از سه دهه آدمکشی و جنون و جنایت جانوران اسلامی است! مردم جمهوری اسلامی با خامنه ای و جمهوری اسلامی با "رجعت به سیره امام" نمی خواهند! این مردم را دست کم نگیرید.

**عکسهای از کنفرانس مطبوعاتی اعلام موجودیت سازمان اتحاد علیه بیکاری در بغداد، در اول ژانویه ۲۰۱۱**



**بیانیه اعلام موجودیت سازمان "اتحاد علیه بیکاری در عراق"**

همه، صرفنظر از وابستگی های سیاسی، مذهبی، ملی، فرقه ای، قومی، قبیله ای و یا جنسی باشد؛  
- تقویت صدای بیکاران و شناساندن علل استعمار و محرومیت آنها همه جا و در مقایس جهانی  
- جلب حمایت از بیکاران در عراق از جانب نهادهای کارگری و انсандوست در سراسر جهان.

ما از همه کارگران و مردم بیکار در همه جای عراق می خواهیم که به سازمان "اتحاد علیه بیکاری در عراق" پیوندند، و صفوف خود را تقویت کرده و گسترش دهند که به یک نیروی اجتماعی تبدیل شوند تا بتوانند به وضعیت فعلی پایان دهند؛ تا بتوانند یک آلت راتیو انسانی به کارگران بیکار ارائه بدهند که کیفیت زندگی آنها و خانواده هایشان بالا برود و بر این محرومیت و بدبختی در کل عراق نقطه پایانی بگذارند.

**امضاء کنندگان:**

عباس کامل، خلیفه جبر، سعد کامل، هدی خضیر، عمار عبدالحسین، معن شمالی، شائر محمد، اسراء مشرف (ام السلام)، طه حسین، ضیاء احمد، فیصل حسین، صدام جمعه، راجی سهیل، خلیل اسماعیل، سردار عبدالله  
۱ ژانویه ۲۰۱۱

کند، یک نیاز مبرم و فوری است. این منسوب به سازماندهی صفوف بیکاران در سازمانی است که بتواند آنها را نمایندگی و از حقوقشان دفاع کند.  
ما امضاء کنندگان زیر، بیکاران و فعالین نهادهای حقوق کارگران، تصمیم گرفته ایم که سازمان "اتحاد علیه بیکاری در عراق" را ایجاد کنیم.  
اهداف سازمان ما:

کار ما:  
ایجاد یک سازمان نیرومند کارگران به منظور یافتن شغل برای همه کارگران، همه زنان و مردان بالاتر از ۱۶ سال که توان کار کردن دارند؛  
- جلب توجه جامعه عراق به بیکاری، برجسته کردن مسئله بیکاری میلیونها زن و مرد؛  
- ایجاد جبهه مقاومت در برابر نقض حقوق مردم توسط سرمایه داران و دولت بر علیه کارگران بیکار، و مقابله با احزاب حاکم به منظور ایجاد فرصتهای شغلی به نفع مردم؛  
- تلاش در جهت لغو قوانین ضدکارگری بطور کلی و جایگزین کردن آنها با قوانینی که حقوق کارگران بیکار شده را تضمین می کند؛  
- حصول اطمینان که مبنای همه استفادهها اصل برابری فرصتها برای

اقتصاد ویران شده عراق در اثر جنگ، منجر به گسترش فقر و محرومیت وسیعی در جامعه شده است. ویرانی حاصل جنگ و شیوع تروریسم و درگیریها که با تخریب زیرساختها و از دست دادن شغل و بیکاری وسیع در میان کارگران همراه بوده؛ و عدم وجود یک سیستم بیمه اجتماعی برای بیکاران، به تعمیق وضعیتی تیره و تاریک برای میلیونها مردم منجر شده است. این در حالی اتفاق می افتد که ثروت عظیمی در دست تعداد معدودی گروه و احزاب بورژوا انباشته شده است. در حالی که بخش عظیمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا می زند و فاصله بین طبقات عمیق تر شده است.  
بهبود شرایط زندگی توده ها ربط مستقیمی به شرایط بهتر امنیتی و تأمین شغل برای میلیونها کارگر بیکار دارد. تغییر شرایط فعلی از طریق اراده توده ها لازم است که با تحکیم نیروی کارگران بیکار در نهادی که هدف آن مبارزه ای برای فراهم آوردن امکان اشتغال یا بیمه بیکاری برای تمامی افراد ۱۶ سال به بالا در عراق که آماده کار هستند، امکان پذیر است. نیاز مردم محروم در عراق به متشکل شدن و ایجاد سازمانی که از حق و حقوق آنها دفاع

جدال بر سر بانک مرکزی، موضوع کار مجلس خبرگان که قرار است در اسفند ماه برگزار شود، آغاز خط و نشان کشیدن ها برای انتخابات آتی مجلس اسلامی، خبر از داغ شدن زمین زیر پای گروههای مختلف در حکومت اسلامی می دهد. شاخه های خود را روبروی هم گرفته اند و به یکدیگر چنگ و دندان نشان می دهند. آنچه که موجب شده در حمله و دریدن یکدیگر احتیاط کنند، ترس از یورش دوباره مردم و سرنگون کردن بساطشان است. مردمی که می دانند این دعوا ها به منافع آنها ربطی ندارد و مترصد فرصت مناسب برای ابراز وجود و به پایان رساندن دوران ننگین جمهوری اسلامی هستند.\*

را گوشزد کرد و مخالفان طرح مجلس را از آن ترسانند که اگر بانک مرکزی در اختیار دولت باشد، این خطر وجود دارد که مورد حمله مستقیم تحریم ها و بلوکه شدن اموال آن در خارج از ایران قرار بگیرد و این امر اقتصاد جمهوری اسلامی را دچار خطرات جدی خواهد ساخت. بعید است که مجلس و شورای نگهبان بتوانند در این زمینه به توافق برسند و کار به شورای تشخیص مصلحت و دخالت مستقیم و صریح خامنه ای خواهد رسید و در حقیقت توازن قوا بین دو جناح است که نتیجه نهائی را تعیین می کند.  
دعوی باندها جمهوری اسلامی در بستر نفرت عمومی مردم از رژیم، هر روز ابعاد تازه ای بخود می گیرد.

اقتصاددانان با حداقل ۱۵ سال سابقه و تخصص فعالیت پولی و بانکی. اما شورای نگهبان روز بعد این مصوبه مجلس اسلامی را نیز رد کرد و دوباره برای تغییر به مجلس پس فرستاد.  
کشمکش بر سر کنترل بانک مرکزی بین باندهای حکومتی ادامه دارد. باند احمدی نژاد نمی خواهد این ارگان مهم را بسادگی از دست بدهد. جناح مقابل یعنی برادران لاریجانی، جناح اکثریت مجلس اسلامی، باند عسگر اولادی و اتاق بازرگانی و بازار می خواهند هر طور که شده این اهم قدرت را در اختیار داشته باشند و حتی تلاش می کنند از فشار تحریم ها به نفع خود در این جدال استفاده کنند. روز ۱۴ دی مصباحی مقدم رئیس کمیسیون ویژه بررسی طرح تحول اقتصادی خطر بلوکه شدن ۳ میلیارد دلار اوراق قرضه بانک مرکزی در اتحادیه اروپا

از صفحه ۱  
به انتخاب هیئت وزیران تشکیل شده و کاملاً در اختیار احمدی نژاد است. جناح مقابل تلاش دارد که این ارگان مالی مهم را از انحصار احمدی نژاد و خامنه ای در آورد. شورای نگهبان به حمایت از احمدی نژاد مصوبه مجلس را رد کرد و در ماههای اخیر سرنوشت بانک مرکزی موضوع جدال های فراوان در داخل مجلس اسلامی و با شورای نگهبان بوده است که در روزهای اخیر این مجادلات شدت بیشتری پیدا کرد. پس از جرو بحث های زیاد مجلس از موضوع قبلی خود عقب نشینی کرد و روز ۱۵ دی ماه ترکیب جدیدی به شرح زیر برای مجمع عمومی بانک مرکزی پیشنهاد نمود: روسای سه قوه، وزیر اقتصاد، معاون برنامه ریزی رئیس جمهور، دادستان کل کشور، رئیس اتاق بازرگانی و هفت نفر از

**سرنوشت نامعلوم ...**  
طول حکومت احمدی نژاد منجر به استعفا دو رئیس قبلی بانک مرکزی شد و سومین رئیس بانک مرکزی مورد تهاجم مجلس و جناح رقیب دولت قرار گرفته است. در آبانماه گذشته مجلس اسلامی لایحه تغییر ترکیب مجمع عمومی بانک مرکزی را تصویب کرد. بر اساس این مصوبه رئیس جمهور از مجمع کنار گذاشته می شود و دادستان کل کشور، رئیس اتاق بازرگانی و ۷ اقتصاددان باسابقه به این مجمع اضافه می شوند. این اقدام مجلس با اعتراض احمدی نژاد روبرو شد و محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی تهدید به استعفا کرد. ترکیب فعلی مجمع عمومی بانک مرکزی از رئیس جمهور، وزیر اقتصاد و دارائی، معاون امور برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزیر بازرگانی و یکی از وزرا

**... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!**

**به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!**

اطلاعیه شماره ۱۱۶:

**به این نمایش ضد بشری علیه سکینه، سجاد، هوتن و دو خبرنگار آلمانی باید فوراً پایان داد!**

بشری جمهوری اسلامی را بشدت محکوم میکنیم. ما خواهان توقف فوری این بازی کثیف و آزار دهنده و آزادی فوری سکینه و وکیلش هوتن کیان هستیم. ما همچنین خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دو خبرنگار آلمانی هستیم که هیچ جرمی جز عشق به روشن کردن حقیقت نداشته اند، و اعلام میکنیم که مماشات دولت آلمان با جمهوری اسلامی هیچ کمکی به این آزادی نخواهد کرد.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار وظیفه خود میدانند تا نقشه های شوم جمهوری اسلامی علیه سجاد، که گفته میشود از ۱۲ دسامبر با وثیقه سنگینی آزاد شده است، و سکینه و هوتن و همچنین

فیزیکی نابود کند، اکنون میکوشد طبق روشهای کثیف رژیم اسلامی، او و فرزندش را از لحاظ روانی خرد و نابود کند؛ و این نابودی قربانیان دست بسته خود را در خدمت سیاستهای تبلیغاتی اش علیه اپوزیسیون و یا چانه زنی دیپلماتیک با غرب قرار دهد. بویژه اکنون که دو خبرنگار آلمانی توسط رژیم به گروگان گرفته شده اند، جمهوری اسلامی میکوشد تا از این موضوع برای معامله با دولت آلمان و غرب سود جوید. البته آن کسی که باید متحمل شکنجه های روحی و روانی بیشتر شود سکینه، سجاد و هوتن، که هم اکنون تحت شکنجه های مخوفی قرار دارد، و خبرنگاران آلمانی خواهند بود. ما این رفتار ضد

روز گذشته جمهوری اسلامی در نمایش اعتراف گیری دیگری، سکینه و پسر او سجاد را وادار کرد که علیه خود و علیه کسانی که برای آزادی سکینه تلاش کرده اند سخنانی ابراز دارند. از جمله سکینه را مجبور کردند که بگوید علیه دو خبرنگار آلمانی، مینا احدی و وکیل سابقش اقامه دعوا میکنند! این چنین "اعترافات" در جمهوری اسلامی نه فقط ذره ای ارزش حقوقی ندارد، بلکه تنها معیاری است برای سنجش میزان شکنجه های وحشیانه ای که قربانیان ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی متحمل میشوند.

جمهوری اسلامی که زیر فشار اعتراض جهانی نتوانست سکینه را از طریق سنگسار و اعدام بطور

اطلاعیه شماره ۱۱۵:

**سجاد از زندان آزاد شده و خواهان نجات مادرش شد سکینه، هوتن و دو خبرنگار آلمانی باید فوراً آزاد شوند**

بسیاری از مردم دنیا چنین شیوه های ضدانسانی توسط جمهوری اسلامی را بخوبی میشناسند.

جمهوری اسلامی در مقابل کمپین قدرتمند بین المللی برای نجات سکینه، حکم سنگسار سکینه را تعلیق کرد ولی همچنان منتظر فرصتی برای اعدام سکینه است و خطر اعدام همچنان سکینه را تهدید میکند. بویژه در شرایطی که جمهوری اسلامی به اعدام های بیشتری دست زده است، خطر اعدام سکینه نیز از همیشه جدی تر شده است.

تهدید و در حالیکه از حق داشتن هرنوع وکیلی محروم بوده و رابطه او را در طول زندان با دنیا قطع کرده بودند، مجبور به اعتراف علیه مادرش شد و در مقابل خبرنگاران گفت که سکینه در قتل پدرش دست داشته است. این شیوه ای است که جمهوری اسلامی دهها سال است در مورد زندانیان اعمال میکند و امروز نه تنها مردم ایران بلکه

طبق خبری که امروز توسط خبرگزاری های مختلف منتشر شده است، سجاد قادرزاده پسر سکینه محمدی آشتیانی که به قید وثیقه از زندان تبریز آزاد شده است، امروز ۱ ژانویه (۱۱ دیماه) در مقابل خبرنگاران رسانه های خارجی گفت که امیدوارم مادرم از سنگسار و اعدام نجات یابد. سجاد تحت فشار سه ماه سلول انفرادی و شکنجه و

**هفته خونین رژیم، هفته اعتراض مردم**

انزجار مردم علیه کل این رژیم قرون وسطائی است. دهه شصت دست به کشتار زندانیان سیاسی زندان تا خود را تثبیت کنند. امروز اما میکشند که سرنگون نشوند. دهه شصت دوره عروج اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی بود امروز دوره بحران لاعلاج این حکومت و عروج اعتراض کارگران و زنان و جوانان است. به همین دلیل هر اعدام و سرکوبی حتی در زندان های حکومت با برگزاری مراسم و صدور بیانییه های محکومیت رژیم پاسخ میگردد. اعتراض مردم سندانج نمونه گویائی از روحیه تعرضی مردم است. مردم نه تنها مرعوب نشده اند بلکه از هر فرصتی برای اعتراض استفاده میکنند و خواست لغو مجازات اعدام امروز بر پرچم مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی در همه جا نقش بسته است.

هدف سیاسی دارد و به منظور عقب راندن جامعه است. اعدام ها در شرایط کنونی جزء مکتب سیاست حذف یارانه ها و تحویل فقر بیشتر به مردم است. برای جلوگیری از اعتصاب و اعتراض است. اما تنها در همین هفته بیش از ده اعتصاب کوچک و بزرگ کارگری صورت گرفت که هزاران کارگر در آن شرکت داشتند. همین هفته تجمع مردم سندانج مقابل زندان این شهر و تحرك وسیع جوانان این شهر را در اعتراض به تصمیم جمهوری اسلامی برای اعدام حبیب لطیفی شاهد بودیم. امروز دیگر دهه شصت نیست که هزار هزار اعدام کنند و جامعه را عقب برانند. امروز دوره تعرض مردم برای سرنگونی حکومت است. دوره به میدان آمدن میلیونی مردم است. دوره اعتصابات گسترده کارگری و اعتراضات هرروزه دانشجویی است. دوره اوجگیری خشم و

جمهوری اسلامی برای بقای خود بار دیگر اعدام ها را گسترش داده است تا مردم را مرعوب کند و جلو اعتراض مردم علیه فلاکتی که به آنها تحمیل شده است را بگیرد. چهار روز قبل علی صارمی و علی اکبر سیادت را اعدام کردند، امروز هشت نفر را در قم و چهار نفر را در زاهدان به قتل رساندند، پنج نفر در تهران و کرمان به اعدام محکوم شدند و احکام اعدام چندین زندانی سیاسی نیز به آنها ابلاغ شده است. حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی را امروز به آنها ابلاغ کردند و حکم اعدام جعفر کاظمی و محمدعلی حاج آقائی در شعبه دیگری از دادگاههای رژیم مورد تأیید قرار گرفت. این کارنامه خونین جمهوری اسلامی در چند روز گذشته است.

امروز برای مردم کاملاً روشن است که کلیه اعدام های جمهوری اسلامی،



این ثمره تلاش و کوشش همه ما بوده است و اکنون نجات سکینه و فرزندش از مرگ تدریجی که جمهوری کثیف اسلامی برای آنها تدارک دیده، همچنین آزاد کردن فوری خبرنگاران آلمانی و هوتن کیان کار ماست.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه سنگسار

۲ ژانویه ۲۰۱۱



کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار بار دیگر جمهوری اسلامی را بخاطر اعتراف گیری های اجباری از زندانیان شدیداً محکوم میکنند و خواهان لغو حکم اعدام سکینه و آزادی فوری و بی قید و شرط سکینه، هوتن کیان وکیل سکینه و دو خبرنگار آلمانی میباشند. هرنوع وثیقه و پرونده سازی علیه سجاد نیز باید فوراً ملغی شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۱ ژانویه ۲۰۱۱، ۱۱ دیماه ۱۳۸۹

مقابل اعدام ها اعتراض کرد و خواهان آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم در ایران و در سطح بین المللی میخواهد که مردم ایران را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی هرچه وسیعتر همراهی کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۱ دیماه ۱۳۸۹، ۱ ژانویه ۲۰۱۱

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com) 0049-177-569-2413

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

افسار زده و جلو اعدام ها را گرفت. هر مورد اعدام، اعم از اعدام کسانی که در



## اعتصاب قدرتمند سه هزار و پانصد کارگر کارخانه لاستیک سازی بارز در کرمان!

## گزارشی از تظاهراتهای یکشنبه ۲ ژانویه مخالفین رژیم اسلامی در اسلو

شرکت کنندگان، مرگ بر جمهوری اسلامی، کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر حکومت اعدام، شکنجه و زندان، لانه ترور و جاسوسی رژیم تعطیل باید گردد و زنده باد آزادی و برابری با زبانه‌های فارسی و نوروزی ادامه پیدا کرد.

راس ساعت ۳ بعد از ظهر همین روز تظاهرات دیگری در جلو پارلمان نوروز از سوی حامیان مادران پارک لاله و فعالین دفاع از حقوق بشر برگزار شد. در این تظاهرات بیانیه‌هایی از جانب جریان‌های مختلف در ارتباط با اعدام‌های اخیر و در دفاع از زندانیان سیاسی قراعت شد. در این تجمع ابوالقاسم کردار ضمن معرفی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمیته من صدای او هستم، از شرکت کنندگان در این تظاهرات هم خواست که صدای زندانیان سیاسی در بند جمهوری اسلامی باشند و کارتهای این کمیته را امضا کنند که با استقبال گرم شرکت کنندگان مواجه شد. در این تظاهرات هم چنین اطلاعیه کمیته مبارزه برای آزادی کارگران زندانی و نامه مادر و پدر بهنام ابراهیم زاده قراعت شد.

۲ ژانویه، ۲۰۱۱-

صابر رحیمی دبیر تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در نوروز

در ادامه تظاهراتهای اخیر در هفته دفاع از حبیب لطیفی و دیگر محکومین به اعدام و در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و پاسخ به فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام و واحدهای نوروز حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست ایران تظاهرات باشکوهی در محل سفارت رژیم اسلامی در اسلو ساعت یک ظهر با شرکت جمع زیادی از مخالفان رژیم جنایتکار اسلامی و مخالفین عمل ضد انسانی اعدام برگزار شد. در این تجمع که با حمل عکس‌هایی از حبیب لطیفی، کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و پلاکاتهای مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی و محکومیت اعدام و دیگر جنایتهای حکام اسلامی همراه بود بیانیه و آبله‌هایی از طرف فعالین حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری قراعت شد و بیانیه‌هایی از جانب فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته آزادی کارگران زندانی قراعت شد. در این تظاهرات ابوالقاسم کردار سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کمیته من صدای او هستم را معرفی کرد و از شرکت کنندگان خواست که کارت‌های کمیته را امضا کنند که شرکت کنندگان استقبال وسیعی کردند. این تظاهرات با شعارهای کوبنده

یکپارچه است که میتوان در برابر این زورگویی‌ها ایستاد و تهاجمشان را عقب راند. به کارگر ربطی ندارد که هزینه تولید گران شده است یا نه، کارگران خواهان دستمزدی کافی در حد داشتن یک زندگی انسانی هستند. نرخ همه اجناس گران شده و دستمزد کارگران هم باید افزایش یابد. این پاسخ کارگران لاستیک بارز و همه کارگران به زورگویی‌های کارفرماها و دولت و طرح هدفمند کردن یارانه‌هایشان است. بساط دم و دستگاه حراست باید از کارخانه جمع شود و کلیه خواستههای کارگران فوراً پاسخ داده شود.

اتحاد یکپارچه کارگران لاستیک بارز و پیگیری و پافشاری آنان برخواستهایشان یک پیروزی و دستاورد مهم برای این کارگران است. با اتکا به مجمع عمومی و تصمیم‌گیریهای جمعی، میتوان این صف را متحد و قدرتمند نگاهداشت. ۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز نیروی بزرگی هستند که با خانواده‌هایشان چندین هزار نفر از مردم شهر کرمان را در بر میگیرند. شرکت فعال خانواده‌ها در این اعتراضات و جلب حمایت وسیع مردم از این مبارزات یک گام مهم در قدرت‌تکبیری و تداوم این مبارزات است. باید با تمام قدرت از اعتراض کارگران لاستیک بارز حمایت کرد.

نکته قابل توجه دیگر، تهدید کارگران معترض به دستگیری و زندان است. امروز کارفرمایان بیش از هر وقت با اتکا به حراست و ارگانهای سرکوب دولشان، از این حربه استفاده میکنند تا مبارزات کارگران را عقب برانند. با حمایت وسیع از کارگران زندانی و تلاش برای آزادی آنها از زندان، این ابزار را از دست این جانین باید گرفت. خواست آزادی کارگران زندانی باید به یک خواست همه کارگران و اعتراضات آنها تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری از خواستههای بحق کارگران لاستیک سازی بارز قاطعانه پشتیبانی میکند و از کلیه مراکز کارگری و از مردم آزادیخواه کرمان می‌خواهد که کارگران این کارخانه را به هر شکل که میتوانند مورد حمایت گرم خود قرار دهند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ دیماه ۱۳۸۹، ۵ ژانویه ۲۰۱۱

نشد و کارگران مجدداً به کارفرمای کارخانه اولتیماتوم دادند که پس از انقضای مهلت و برآورده نشدن خواستههایشان دست از کار خواهند کشید. کارگران با مراجعه به مدیر اداری کارخانه و با طرح خواستههای خود که دو ماه پیش وعده اجرایی شدن آنها داده شده بود، خواهان رسیدگی به مطالباتشان شدند. در ادامه این اعتراضات است که کارگران لاستیک البرز از روز شنبه ۱۱ دی دست به اعتصابی یکپارچه زده‌اند.

در برابر اعتراضات کارگران، مدیر اداری جدید کارخانه حذف یارانه‌ها را بهانه کرده و تحت عنوان اینکه هزینه تولید افزایش یافته است میگوید ما نمی‌توانیم به وعده‌هایی که داده ایم عمل کنیم، خرید مواد خام برای تولید ممکن نیست، کل تولید در کشور با مشکل مواجه شده و این فقط واحد تولیدی ما نیست! او کارگران را مورد تهدید قرار داد که چنانچه دست به اعتصاب بزنند و دست از کار بکشند به جرم اغتشاش دستگیر خواهید شد و بدین ترتیب مدیر در نقش فرماندهان سرکوب قرار گرفت. اما کارگران در مقابل این تهدید، بر شدت اعتراض خود افزودند و با اعتصاب یکپارچه خود جواب دندان شکنی به او دادند. ۳۵۰۰ کارگر دستگاهها را خاموش کردند و یکپارچه وارد اعتصاب شدند.

اعتصاب قدرتمند کارگران لاستیک البرز همچنان ادامه دارد. بنا بر اخبار منتشرشده در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران، رئیس حراست کارخانه با حضور در میان کارگران و تهدید علنی آنان مبنی بر اینکه اگر کارگران به اعتصاب خود پایان ندهند، یگان ویژه ضد شورش وارد کارخانه خواهد شد و پوست‌شان را خواهد کند، کارگران را تهدید کرد که تا بازداشت نشده‌اند به سر کار خود بازگردند. او گفت که مطالبات شما دیگر موضوعیتی ندارد و هیچ چیزی به شما تعلق نمیگیرد و مدیریت کارخانه تصمیم گرفته است چنانچه اعتصاب را ادامه دهد شرکت را تعطیل کند. اما علیرغم همه این تهدیدها و ترس‌ها کارگران معترض و جان به لب آمده کارخانه لاستیک بارز، به اعتصاب قدرتمند خود ادامه میدهند.

قدری‌های مدیریت لاستیک بارز یک گستاخی آشکار در مقابل کارگران است. تنها با اعتصاب و مبارزه

از صبح روز شنبه یازدهم دی ماه سال جاری سه هزار و پانصد کارگر لاستیک سازی بارز کرمان با خاموش کردن ماشینها دسته دسته به اعتصاب پیوستند. این سومین حرکت اعتراضی و اعتصاب کارگران این کارخانه در سال جاری است.

کارگران لاستیک بارز از ماهها پیش خواهان افزایش دستمزدهای خود و تبدیل قراردادهای یکماهه به قرارداد یکساله هستند. نود درصد کارگران لاستیک بارز با قرارداد موقت یکماهه در این کارخانه کار میکنند. دستمزد ماهیانه کارگران لاستیک بارز حدود چهارصد تا پانصد هزار تومان است که از این مبلغ حدود سی و هفت هزار تومان بعنوان مالیات بر مشاغل و مبلغی نیز بابت حق بیمه معمولی و تکمیلی از حقوق آنها کسر میشود. بعلاوه اینکه کارفرمای لاستیک بارز در ازای هفتاد ساعت اضافه کاری ماهانه، به این بهانه که کارگران در این هفتاد ساعت کم کاری میکنند به آنان فقط ماهیانه معادل چهل ساعت اضافه کاری پرداخت میکنند. این موضوع نیز یکی دیگر از موضوعات مورد اعتراض کارگران است.

همچنین در حال حاضر کارگران این کارخانه هر پانزده روز یکبار و آنهم فقط روزهای جمعه تعطیل هستند و یک خواست کارگران این است که تعطیلی به دو روز در هفته برسد. بعلاوه پاداش تولید کارگران هر نفر از پنجاه تا دویست هزار تومان کاهش یافته است و این نیز موضوع دیگر اعتراض آنها است.

پیش از این، کارگران لاستیک بارز برای دستیابی به مطالبات برحقشان در تاریخ چهارم مهرماه سال جاری بمدت چهار روز دست به اعتصاب زدند و با وعده تحقق خواستههایشان از سوی رئیس اداره کار کرمان به اعتصاب خود پایان دادند. اما پس از گذشت حدود یکماه این وعده‌ها متحقق نشد و کارگران هشدار دادند چنانچه تا اوایل آبانماه خواست‌هایشان برآورده نشود دست به اعتصاب مجدد خواهند زد. در این بین صاحبان شرکت با عوض کردن مدیر اداری کارخانه و انتصاب مدیر جدید دست به ترفند دیگری زدند. مدیر جدید، از کارگران دو ماه وقت خواست تا برای تحقق خواست‌هایشان به او فرصت بدهند. اما این وعده نیز پس از دو ماه متحقق





## در چند روز گذشته هزاران کارگر در نقاط مختلف کشور دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده اند!

در یک هفته گذشته هزاران کارگر در نقاط مختلف کشور از تهران و رشت و اهواز تا سنج و کرمان دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زده اند. اخراج و بلائیکلیفی و عدم پرداخت دستمزد کارگران از جمله موارد اعتراض کارگران است.

کارگران پارس متال و کیان تایر در تهران، کنف کار در رشت، لوله سازی خوزستان در اهواز، لاستیک بارز در کرمان، نساجی، شاهو، پریس، استک و کشتارگاه مرغ در سنج از جمله کارگرانی هستند که با معضل نپرداختن دستمزدها و خطر تعطیلی کارخانه و بیکارسازی مواجهند. اعتراض کارگران در این مراکز، تنها بخش کوچکی از مبارزه کارگران در یک هفته گذشته است. رژیم تلاش میکند که خبر اعتراضات کارگری جانی منعکس نشود و بطور واقعی تعداد اعتصابات کارگری بسیار بیش از آن چیزی است که منعکس میشود.

کارگران پارس متال هشت ماه حقوق طلب دارند و روزهای هشتم و نهم دیماه در اعتراض به نپرداختن دستمزد آنها و خطر تعطیلی کارخانه و بیکاری کارگران دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران کنف کار رشت روز ۶ دیماه در اعتراض به نپرداختن ۴۰ ماه حقوق و وضعیت بلائیکلیف کارخانه، از محل کارخانه حرکت کرده و در مقابل فرمانداری رشت دست به تجمع زدند. این تجمع علیرغم تلاش شورای اسلامی کارخانه برای منصرف کردن کارگران برگزار شد. در این حرکت اعتراضی کارگران نمایندگان از میان خود انتخاب کرده و جهت گفتگو نزد فرماندار فرستادند. حوالی ظهر نمایندگان در جمع کارگران اعلام کردند که فردی به اسم صفری که ظاهراً از طرف اداره صنایع و معادن معرفی شده است، قرار است کارخانه را از صاحب فعلی آن خریداری کند. او قول داده است که طلب کارگران را که مبلغی در حدود یک میلیارد و صد میلیون تومان است، پرداخت کند. کارگران ناباور به این وعده ها قرار گذاشتند که تا روز ۸ دی فرصت دهند و اگر خبری از اجرای این وعده ها نشد، اعتراضات خود را از سر بگیرند.

۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز در کرمان روز ۱۰ دیماه دست به اعتصاب زدند. بنا بر گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران اعتصاب از ابتدای صبح بتدریج شروع شد و بعد از ظهر این روز، کارگران با خاموش کردن همه دستگاههای تولیدی بطور یکپارچه ای وارد اعتصاب شدند. کارگران لاستیک بارز از ماهها پیش خواهان افزایش دستمزدهای خود و تبدیل قراردادهای یکماهه به قرارداد یکساله هستند. علاوه بر اینها کارفرمای لاستیک بار در ازای ۷۰ ساعت اضافه کاری ماهانه، به بهانه اینکه کارگران در این ۷۰ ساعت کم کاری میکنند به آنان فقط ماهیانه ۴۰ ساعت اضافه کاری پرداخت میکنند. همچنین کارگران این کارخانه از آنجا که یک هفته در میان فقط روزهای جمعه تعطیل هستند خواهان تعطیلی دو روز در هفته می باشند و به کاهش پاداش تولید که از بیستم مهرماه بین ۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان کاهش یافته است معترضند. کارگران به مدیر اداری کارخانه مراجعه و خواهان پاسخگویی آنها شدند. اما مدیر اداری کارخانه با استناد به قطع یارانه ها اظهار داشت: با قطع یارانه ها هزینه تولید بالا رفته است و ما نمیتوانیم به وعده های خود عمل کنیم، ما مواد نداریم و این مشکل مربوط به کل مملکت است، مربوط به ما نیست و اگر دست از کار بکشید به جرم اغتشاش دستگیر میشوید. بدنبال این مذاکرات و جواب های تهدیدآمیز مدیر اداری، کارگران دسته دسته شروع به خواباندن دستگاههای تولید کردند. بطوری که بعدازظهر این روز تمام کارگران روزکار در اعتصاب بودند و کارگران شیفت شب نیز به اعتصاب پیوستند. کارگران این کارخانه در روز ۴ مهرماه نیز دست به اعتصاب چهارروزه زده بودند.

نیست. کارگران کیان تایر علاوه بر ۴ ماه دستمزد معوقه از سالهای قبل، عیدی و دستمزد مهرماه خود را نیز دریافت نکرده اند و فقط ۵۰ درصد از دستمزد آبان و آذر به آنها پرداخت شده است.

کارگران لوله سازی خوزستان بیش از ۱۸ ماه دستمزد خود را طلب دارند و حق بیمه آنها نیز از طرف کارفرما به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است. کارگران برای نقد کردن طلب های خود و در اعتراض به وضعیت بلائیکلیف کارخانه بارها دست به تجمع و اعتراض زده اند.

روز ۱۱ دیماه کارگران اخراجی نساجی کردستان، شاهو و استک در سنج نیز در مقابل اداره کار این شهر دست به دو تجمع اعتراضی زدند. کارگران کشتارگاه مرغ سنج نیز در روزهای گذشته بدلیل اخراج از کار دست به اعتراض زده اند.

به خبرهای فوق باید خبر دیگری از سایت اتحاد که حاکی از رسمی شدن ۸۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه است را نیز اضافه کرد که موفقیتی برای کارگران و سندیکای کارگران به حساب میاید و از جمله خواستههای مهم کارگران این مرکز است که مدتها برای آن مبارزه کرده اند. این گوشه ای از مشکلات عظیم میلیون ها کارگر در سراسر کشور است که با اعتصاب و اعتراض کارگران پاسخ میگیرند. با شروع حذف یارانه ها و گسترش فقر و فلاکت در میان کارگران، بر شدت مقابله با اعتراضات کارگران افزوده شده و هدف از اعدام های رو به گسترش نیز مرعوب کردن کارگران و بقیه مردم بوده است، اما اعتصابات و تجمعات اعتراضی هزاران نفر از کارگران ظرف چند روز گذشته در اقصی نقاط کشور نشانه بارز مبارزه جویی و کوتاه نیامدن کارگران و گسترش اعتراضات آنها است. اعتراض مردم سنج به تصمیم رژیم به اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی و عقب راندن رژیم در روز ۵ دیماه نیز گوشه دیگری از مبارزه آزادیخواهانه و عادلانه مردم است که در مقابل رژیم منحوس اسلامی صورت میگیرد.

حزب کمونیست کارگری از مبارزه کارگران این مراکز قاطعانه دفاع میکند و سایر مراکز کارگری را

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

#### کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, WA 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

به دفاع محکم از این اعتراضات فرامیخوانند. باید موجی از فضای همبستگی و حمایت در سراسر کشور شکل بگیرد و هر اعتصاب کوچک و بزرگی با حمایت تعداد هرچه بیشتری از مراکز کارگری مواجه شود. حزب خانواده های کارگران و سایر مردم معترض را به شرکت در تجمعات کارگران و تقویت این مبارزات فرامیخوانند. این تنها راه مقابله با

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden



### Free jailed workers in Iran

بنویسیم که صدور ۲۰ سال حکم زندان برای بهنام ابراهیم زاده محکوم است و او باید فوراً آزاد شود. این را بصورت طومار بنویسیم و وسیعاً امضا کنیم. عکس بهنام را همه جا نصب کنیم و خواهان آزادی فوری وی از زندان شویم. نگذاریم بهنام ابراهیم زاده بیش از این در زندان بماند. زدن اتهام محاربه به بهنام خطری است بر روی سر او، برای آزادی وی با تمام قوا تلاش کنیم. بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. با کارزار برای آزادی کارگران زندانی وسیعاً همکاری کنید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۰۱۱ دی ۲، ژانویه ۲۰۱۱

اتهام و ادامه بازداشت بهنام در زندان اعتراض کنند. اکنون جانینان جمهوری اسلامی تحت عنوان محاربه به بهنام ۲۰ سال حکم زندان داده اند. بهنام را سال گذشته نیز بخاطر تجمع اول مه در پارک لاله تهران دستگیر کردند و یکماه زندان بود و بعد هم با قید وثیقه آزاد شد. با تمام قدرت از فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده برای نجات وی از زندان پاسخ دهیم. به پایوش دوزی برای بهنام و منتسب کردن وی به سازمان مجاهدین خلق و صدور ۲۰ سال حکم زندان برای او اعتراض کنیم. به هر شکل که میتوانیم در سطح جهانی و در ایران اعتراض خود را اعلام کنیم. همگی در دو جمله در همه جا

منصور اسانلو، سه نفر دیگر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد، به همین جرم به اسامی ابراهیم مددی، رضا شهابی و غلامرضا غلامحسینی در بازداشت بسر میبرند.

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، غلامرضا غلامحسینی از کارگران سندیکای واحد و بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۰۱۱ دی ۲، ژانویه ۲۰۱۱

است. باید با تمام قوا از کارگران زندانی حمایت کنیم.

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به اسامی بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی و بهروز ملازاده باید لغو شود. تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری باید متوقف شود.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۰۱۱ دی ۳، ژانویه ۲۰۱۱

جمهوری اسلامی منصور اسانلو حتی از امکانات درمانی لازم محروم است و علیرغم نظر پزشکان وی را در زندان نگاهداشته اند. اکنون نیز در حالی منصور اسانلو را به بند انفرادی انتقال داده اند که وضع جسمی اش خوب نیست و از ناراحتی های متعدد قلبی، کمر درد و ناراحتی چشم رنج میبرد. و تا کنون سه بار پزشک قانونی خود جمهوری اسلامی رای به عدم تحمل حبس او داده است.

منصور اسانلو بخاطر مبارزات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش آنان برای ایجاد تشکلشان سندیکای واحد در زندان است. علاوه بر چگونه کارفرمای این شرکت، زیر فشار اعتراضات کارگران این کارخانه و متحد بودن آنها در سندیکایشان همین هفته ۸۰۰ نفر از کارگران قراردادی این شرکت را ناگزیر شدند به استخدام رسمی در آورند. حمایت از رضا رخشان حمایت از همه این دستاوردهاست.

امروز دفاع از کارگران زندانی، یک امر فوری در مقابل جنبش کارگری در ایران است. دفاع از کارگران زندانی، به معنی دفاع از حق متشکل شدن، حق اعتصاب، حق تجمع کردن و آزادی بدون قید و شرط سیاسی است. دفاع از کارگران زندانی یعنی گرفتن ابزار سرکوب و حمله به جنبش کارگری و کل جامعه و باز کردن فضا برای متحد شدن و قدرتیابی مبارزات کارگری



## به بهنام ابراهیم زاده ۲۰ سال حکم زندان دادند به این حکم جانینکارانه وسیعاً اعتراض کنیم

انتقال به بند عمومی ۳۵۰ به اعتصاب غذای خود پایان داد. در این مدت خانواده بهنام زیر فشار اقتصادی زیادی قرار گرفته و ناگزیر بوده اند که با مشکلات فراوان و هزینه بسیار برای دیدار عزیزشان از شهر آشنویه به تهران بیایند. خانواده بهنام بارها به وضعیت بهنام اعتراض کرده و با نوشتن نامه به انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان خواهان حمایت و پشتیبانی شده اند. آخرین نامه آنها بعد از دادگاهی شدن بهنام در ۲۲ آذر و مطلع شدنشان از وارد کردن اتهام همکاری وی با سازمان مجاهدین بود. در آن نامه مادر و پدر بهنام این اتهام را کذب محض خوانده و آنرا پایوش دوزی برای دادن حکم سنگین به بهنام دانسته و ضمن اظهار نگرانی و در خطر دیدن جان فرزندشان در زندان، از جانینان خواستند که وسیعاً به این

نظام به یکسال حبس تعزیری محکوم کرده است.

منصور اسانلو بارها و بارها در زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. به بند انفرادی در زندان منتقل شده و مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته است. بارها و بارها او را به بخش زندانبان عادی معلوم الحال منتقل کرده اند و قصد جان وی را کرده اند. حتی خانواده و بستگان منصور اسانلو نیز از زیر فشار جانینکاران جمهوری اسلامی در امان نبوده اند و از جمله این جانینان یکبار خانم زویا صمدی همسر فرزندش را دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار دادند. در زندان

نیز صدور حکم زندان برای سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به اسامی بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی و بهروز ملازاده و برای دیگر فعالین کارگری را محکوم کرده است.

همراه با کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه، و با تمام قوا به دستگیری و زندانی شدن رضا رخشان نماینده کارگران نیشکر هفت تپه اعتراض کنیم. اتهامات وارد شده بر رضا رخشان آشکارا به معنی نقض آزادی بیان، آزادی تشکل و حقوق پایه ای کارگران است. رضا رخشان زندانی میشود بخاطر مبارزات پرشکوه کارگران نیشکر هفت تپه و موفقیت آنها در ایجاد تشکلشان سندیکای نیشکر هفت تپه. رضا رخشان زندانی میشود بخاطر اینکه میبینیم که

پلی اتیلیون شورآباد شهر ری است. کارگر جوان ۳۵ ساله ای که هفت ماه است بخاطر مبارزاتش و دفاع از حقوق انسان، در زندان است. بهنام در ۲۲ خرداد دستگیر شد. بدلیل ضرب و شتم در هنگام دستگیری قفسه سینه و پایش آسیب دید. وی مدتی در بند ۲۰۹ اوین بود و مورد اذیت و آزار زیادی قرار گرفت. با وجودیکه برای بهنام وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین کردند و این وثیقه را خانواده اش برای وی تهیه کرده بودند، ولی بهانه آوردند و گفتند چون از شهرستان تهیه شده نمی پذیرند و مرتب او و خانواده اش را سر دواندند. بهنام بخاطر این بلاتکلیفی و بخاطر فشار در درون زندان در ۷ مهر دست به اعتصاب غذا زد. بعد از دوازده روز اعتصاب دچار خونریزی معده شد و به درخواست خانواده و دوستدارانش بعد از



## اطلاعیه شماره ۸۱ منصور اسانلو به بند انفرادی گوهردشت انتقال یافت

منصور اسانلو در تیر ماه ۸۶ دستگیر و به جرم اعتصابات با شکوه کارگران شرکت واحد و ایجاد سندیکای خودشان، به ۵ سال زندان محکوم شد. روز یکشنبه ۱۰ مرداد ماه امسال منصور اسانلو بار دیگر توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب کرج تحت عنوان «ارتباط با ضد انقلاب» محاکمه شد و بدنبال این محاکمه، دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در کرج، بیشرمانه منصور اسانلو را با اتهام تبلیغ علیه



## اطلاعیه شماره ۸۲ رضا رخشان راهی زندان شد، کارگر زندانی آزاد باید گردد

ارتباط برادری ندا و رادیو و پچه وله - بیان مطالب کذب (منظور، اعلام عدم مرخصی دادستان به خانواده های کارگران زندانی) بمنظور تشویش اذهان عمومی - افتتاح یک حساب بانکی بمنظور کمک گرفتن از موسسات دولتی واپوزیسیون (اعلام شماره حساب از طرف یکی از کارگران که عمل فردی ایشان بوده است. این شماره حساب هیچ ربطی به رضا رخشان نداشته است) سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن اعلام این خبر، صدور این حکم برای رضا رخشان و زندانی شدن وی و

بنا به خبر منتشر شده در سایت اتحاد اتحادیه آزاد کارگران ایران "بهنام (اسد) ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ۲۰ سال حکم زندان محکوم شد. بنا بر خبر بهنام این خبر را در ساعت پنج و نیم عصر روز ۱۱ دی از طریق تماس تلفنی به خانواده خود داده است و بنا بر این گزارش بر اساس این حکم بهنام باید مدت ۱۰ سال از این حکم را در زندان رجائی شهر و ده سال دیگر را در زندان اوین تحمل کند. باید وسیعاً به این حکم جانینکارانه جمهوری اسلامی اعتراض کرد.

جمهوری اسلامی با صدور چنین حکمی برای بهنام، سرکوب کل کارگران و کل جامعه را هدف دارد، بهنام ابراهیم زاده کارگر لوله سازی

روز ۱۱ دی منصور اسانلو رئیس زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد که هم اکنون سه سال و نیم است در زندان بسر میبرد، به جرم شرکت در مراسم گرامیداشت علی سارمی زندانی سیاسی و معلمی که به خاطر شرکت در مراسم گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی در سال ۸۶، در هفته گذشته در روز هفتم دی ماه اعدام شد، به بند انفرادی زندان (گوهردشت) رجایی شهر منتقل شد.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، رضا رخشان رئیس هیات مدیره این سندیکا امروز ۳ دی ماه ۸۹ راهی زندان شد.

جانینان اسلامی در شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظرشان در شهر اهواز قبلاً او را به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی به شش ماه زندان محکوم کرده اند.

بنا بر خبر سندیکای نیشکر هفت تپه، دلایل دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی برای دادن این حکم عبارتند از:

## مردم سندنجد با شجاعت و قاطعیت نیروهای سرکوب را عقب راندند

طبق گزارشی که به کمیته کردستان حزب رسیده است، امروز چهارشنبه ۱۵ دیماه ساعت حدود یک بعدازظهر، نیروهای انتظامی در میدان گاز سندنجد راننده ای را دستگیر میکنند. جوان دستگیر شده به دفاع از خود میپردازد و مشت و لگد او را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. عابریان با دیدن صحنه درگیری، به کمک جوان دستگیر شده میشتابند و در حالی که تعدادشان به سی چهل نفر میرسد، او را فراری می دهند. نیروهای انتظامی با مردم درگیر میشوند و مردم هم آنها را گوشمالی میدهند. تعدادی از نیروهای انتظامی حاضر در محل اقدام به تیراندازی میکنند که در نتیجه آن یک کودک ۱۲ ساله زخمی می شود. مردم بلافاصله این کودک را به بیمارستان میبرسانند.

طبق گزارشی که یک شاهد عینی برای ما ارسال کرده است، به تدریج چند صد نفر از مردم در محل درگیری جمع میشوند و نیروهای انتظامی را به محاصره خود در می آورند و کارت شناسایی تعدادی از آنها را میگیرند و اسامی و مشخصات فردی و شماره خودرو آنها را یادداشت میکنند. کسی

که تیر اندازی کرده و آن کودک را مجروح کرده بود، بنام پوریا فقه سلیمانی بوسیله مردم مورد بازدید بدنی قرار میگیرد.

طبق این گزارش مردم ضمن تنفر عمیق از نیروهای مسلح و سرکوبگر رژیم با پختگی و تسلط کامل بر اوضاع، اقدامات تحریک آمیز نیروهای سرکوبگر را خنثی کردند و اجازه دستگیری هیچکس را به آنها ندادند و به تجمع خود پایان دادند.

کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه نیروهای سرکوبگر رژیم، به شهادت و ابتکار به موقع مردم سندنجد درود میفرستد. همبستگی مردم سندنجد که هفته قبل نیز در مقابل تصمیم رژیم به اعدام حبیب لطیفی خود را نشان داد، الگویی از مبارزه جوئی و آزادیخواهی است که بارها جنایتکاران را به عقب نشینی واداشته است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی - کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۵ ژانویه ۲۰۱۱، ۱۵ دیماه ۱۳۸۹

## تصویری از تظاهرات واشنگتن دی سی در اعتراض به احکام اعدام حبیب لطیفی و زانبار و لقمان مرادی



### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر  
shahla\_daneshfar@yahoo.com  
00447779898968

بهرام سروش  
bahram.soroush@gmail.com  
0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ دیماه ۱۳۸۹، ۶ ژانویه ۲۰۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ایستاد و آنرا عقب زد. بنا به برخی اخبار خود این باعث شد که دولت میزان و مدت عرضه گازوئیل سهمیه ای را بیشتر کند تا جلوی اعتراض مردم را بگیرد. کارکنان امور حمل و نقل و نانوائی ها درست مثل بولیوی در ایران هم می توانند نقش مهمی داشته باشند. اما این اعتراضات باید به همه جا کشیده شود و گروههای مختلف مردم از کارگران صنایع و معادن و کارگاهها گرفته تا معلمان، پرستاران، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان خلاصه همه در آن درگیر بشوند. از همه اشکال مختلف مبارزه مثل اعتصاب و خواباندن ماشین ها گرفته تا برگزاری اجتماعات در مقابل دواير دولتی، انبارهای دولتی و غیره باید استفاده کرد تا رژیم را وادار کنیم حذف سوسیالدها را پس بگیرد- دولت موظف است مایحتاج مردم را به قیمت مناسب و ارزان تامین کند. برای مقابله با گرانی لازم است دستمزدهای کارگران تا چند برابر فوراً افزایش پیدا کند. منزلت و معیشت حق مسلم کارگران و مردم زحمتکش است. ما باید با مبارزه متحدانه خود دولتی که عامل اصلی سیه روزی و بلبختی مردم است را به دیار عدم بفرستیم تا به این دوره فقر و فلاکت پایان بدهیم. دوره ای که در آن حقیقتاً همه چیز گرانتتر از جان آدمیزاد است.

نمی توان هست و نیست کارگر را گرفت و نان خالی را هم از سفره خانواده ها دزدید و در حالیکه دزدی های میلیاردری مقامات و مدیران نقل محافل است، با صرف تهدید و دستگیری کارگران را آرام کرد. کسی گوش نمیدهد. اعتصابات و اعتراضات کارگری گسترش می یابد. محکومیت يك فعال کارگری به بیست سال زندان، بی سابقه است و این نشانه وحشت بیسابقه حکومت از گسترش اعتراضات است.

بهنام ابراهیم زاده، رضا رخشان، رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و سایر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. کارگران باید با تمام قوا از رهبران خود حمایت کنند و در هر اعتصاب و اعتراضی خواست آزادی کارگران دستگیر شده را با صدای بلند اعلام کنند و با تمام قوا به سمت متشکل شدن گام بردارند. خواست آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید به خواست کل جامعه تبدیل شود.

اعتراضات را سد کند. کارگران بولیوی خودشان را آماده کرده بودند که در اولین روز کاری سال جدید دست به راهپیمایی بزنند که البته قبل از آن آقای رئیس جمهوری زیر فشار مجبور شد که فرمان خودش را لغو کند و قیمت مواد سوختی به همان میزان سابق برگردد.

این از جمله خبرهایی نیست که رسانه های جمهوری اسلامی قصد انتشار آن را داشته باشند. دقیقاً به این خاطر که در مقابل حذف سوسیالدها در ایران توسط جمهوری اسلامی و برای مقابله به آن راه حل جلوی مردم ایران می گذارد. درست است که بین ایران و بولیوی فرق است، درست است که بین احمدی نژاد و رئیس جمهوری بولیوی مورالس فرق هست. اما چرا ما در ایران نتوانیم با مبارزه متحد خودمان این رژیم جنایتکار را در ارتباط با حذف سوسیالدها مجبور به عقب نشینی کنیم؟ اگر مردم بولیوی موفق شدند ما هم این ظرفیت را داریم که موفق بشویم.

در همان روزهای اول اجرای حذف سوسیالدها در ایران، رانندگان حمل و نقل اینجا و آنجا در اعتراض به ۲۱ برابر شدن قیمت گازوئیل و ۷ برابر شدن قیمت بنزین دست به اعتراضاتی زدند و نشان دادند که می شود در مقابل حمله وحشیانه به معیشت و زندگی مردم

## مردم بولیوی توانستند، ما هم می توانیم!



حسن صالحی

در خبرها آمده بود که بدنبال اعتراضات وسیع و گسترده مردمی، رئیس جمهوری بولیوی ناچار شد که فرمان و تصمیم دولت خود مبنی بر حذف سوسیالدها سوختی را پس بگیرد. در نتیجه حذف یارانه های مواد سوختی در بولیوی، قیمت سوخت و همچنین هزینه های حمل و نقل و قیمت مواد غذایی افزایش یافته بود. بطور مثال قیمت بنزین بیش از ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده بود- در اثر این افزایش قیمت ها مردم بولیوی به اعتصابات و اعتراضات گسترده ایی دست زدند. منجمله کارکنان امور حمل و نقل بولیوی دست به اعتصاب نامحدود زدند، نانوائیان دست از کار کشیدند و با اعتصاب آنها ارتش مجبور شد که امر تهیه و فروش نان را بدست بگیرد. در شهرهای مختلف و از جمله لاپاز اعتراضات خیابانی برپا شد و مردم به دواير دولتی حمله ور شدند و پلیس هم قادر نشد جلوی این

## محکومیت بهنام ابراهیم زاده به ... از صفحه ۱

میدهم. مدیر کارخانه لاستیک بارز کرمان به کارگران اعتصابی گفت شما را به عنوان اغتشاشگر دستگیر میکنیم. فکر میکرد بخشی از کارگران اعتصابی با این تهدید به سر کار برمیگردند اما سایر کارگران نیز دستگاهها را خاموش کردند و کل کارخانه را اعتصاب پیوست. رژیم قدرت مقابله با اعتصابات را ندارد اما تمام تلاشش را میکنند که جلو متشکل شدن کارگران را بگیرد. به هر درجه طبقه کارگر متشکل تر باشد این "فتنه" طوفانی تر و رادیکال تر خواهد بود. پس به قلب طبقه کارگر حمله میکنند تا طبقه کارگر را از فعالین و رهبران خود که در تلاش برای متشکل کردن این طبقه و هدایت اعتراضات کارگری هستند محروم کنند. محکومیت بهنام به بیست سال زندان، پیام آشکار حکومت و طبقه مفتخور حاکم به کارگران است که سازمان نمیشوید! پراکنده و غیر متشکل بمانید!

زندانی کردن کارگرانی که از حقوق ابتدائی خود دفاع کرده اند، حاکمین اسلامی میخواهند وحشت خود از "فتنه اقتصادی" که نام رمز اعتصابات آتی کارگران و معلمان و پرستاران و بخشهای حقوق بگیر جامعه است را تسکین دهند. میخواهند بزم خود کارگر معترض را مرعوب و ساکت کنند. میخواهند موج خشم و ناراضی در میان کارگران و مردم محروم از گرانی و فقر را عقب برانند. اما ما با قاطعیت اعلام میکنیم که این تلاشی مذبحخانه و محکوم به شکست است. حکومتی با صفوف در هم ریخته نخواهد توانست میلیونها کارگر و يك جامعه به خشم آمده و معترض را با زندان و دستگیری ساکت کند.

در همین هفته گذشته هزاران کارگر از مراکز اقتصادی مختلف دست به اعتصاب زدند و پاسخ این تهدیدات را با نیروی هزاران نفره دادند. گفتند پاسخ شما را با اعتصابات



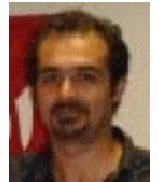
## در حاشیه حکم ۲۰ سال زندان برای بهنام ابراهیم زاده



ناصر اصغری

اتحادیه آزاد کارگران ایران خبر داد که بهنام ابراهیم زاده، فعال جنبش کارگری و فعال دفاع از حقوق کودکان، به ۲۰ سال حبس محکوم شده است. ۲۰ سال زندان برای دفاع از انسانیت! همین اتفاق حکم رفتن جمهوری اسلامی را امضا می کند.

## خیزش ۸۸ و اعترافات سران ... از صفحه ۱



هادی وفاقی

شد. علی لاریجانی و احمد جنتی در این مراسم مانند بسیاری دیگر از مقامات و دست اندرکاران رژیم که از سال گذشته به این سو هرگز نتوانسته اند ترس و وحشت دائمی شان را از تکرار وقایع خیابانی سال گذشته پنهان کنند، به اتفاقات روزهای ۱۸ تیر و ۶ دی (روز عاشورا که بعدها گفتند در این روز نزدیک بود تهران سقوط کند) اشاره و اعتراف کردند که در این روزها مردم "بصورت باورنکردنی" برای برانداختن حکومت اسلامی به خیابان آمدند. رئیس مجلس حکومت اسلامی با اشاره به اینکه روی کار آمدن این جنایتکاران بخاطر این بوده که مردم دغدغه دین داشته اند و این انقلاب، انقلاب دینی است، اضافه می کند که در سال گذشته این مسئله به چالش کشیده شد. او به ۱۸ تیر و خواست مردم برای تغییر حکومت و برانداختن نظام ولایت فقیه می پردازد و می گوید: "۱۸ تیر بلوایی بود که در پی تغییر بود و فلش اصلی آن بسمت ولی فقیه بود" و اینکه "یک حرکت ضد دینی و ضد انقلابی در اینروز شکل گرفت". و با اینهمه، لاریجانی احمقانه

سندیکای نیشکر هفت تپه از "راهی زندان شدن رضا رخشان" رئیس هیأت مدیره این سندیکا خبر داد. کسان دیگری را نیز بخاطر اظهار ناراضیاتی کردن از مسئله "هدفمند کردن یارانه ها" دستگیر کرده اند. تیغ اعدام را بر سر تعداد زیاد دیگری از زندانیان سیاسی که در چند سال گذشته دستگیر شده اند، بالا برده اند. واقعیت این است که در این کشور و با این وضع میلیونها نفر دیگر باید احکامی ۲۰ و ۳۰ ساله دریافت کنند. میلیونها نفر دیگر را باید بخاطر جرائم سیاسی اعدام کنند! چرا که موقعیتی را که جمهوری اسلامی به وجود آورده است، تعداد بسیار زیادی مجبورند، تأکید می کنم که مجبورند به دفاع از زندگی و شأن

و در کنار تمام این اعتراضاتش تلاش می کند روزهایی را که حکومت سعی کرد با تطمیع و تهدید کارکنان ادارات و به خیابان آوردن مزدوران و سرکوبگران مردم، تظاهرات نمایشی راه بیندازد، پاسخی به این سیل عظیم ضد مذهبی معرفی کند که کل موجودیت حکومت اسلامی را به مخاطره افکنده بود.

اعترافات احمد جنتی از این هم واضح تر است. دبیر شورای نگهبان رژیم ضمن اعتراف به اینکه چطور این حکومت توانسته با تحمیل مصیبت های یک جنگ خانمانسوز به مردم، در عین حال جامعه را به صلابه بکشند و به بهانه جنگ در فقر و فلاکت غوطه ورش کنند، از "برکات" جنگ می گوید و اینکه "جنگش به نفع ما تمام شد" و "برکاتی که جنگ برای ما داشت را خدا می داند چقدر بود!" بعد ناچار به خطر انقلاب سال ۸۸، وقایعی که ماهیت حکومت اسلامی شان را به چالش کشید و "مردمی که حکومت اسلامی نمی خواهند"، اشاره کرده و می گوید: "در قضیه سال ۸۸ عده ای در داخل کشور بصورت باورنکردنی در مقابل نظام ایستادند ... و منظورشان این بود که حکومت اسلامی نباشد و هر ضد حکومت اسلامی در این قضایا شرکت کرد!" و در ادامه هم به سرکوب، کشتار و وحشیگری حکومت اسلامی در مقابل مردمی که این حکومت را نمی خواهند، اینطور اعتراف می کند که: "اینها این اغتشاشات را انجام دادند و در داخل و خارج بحث این بود که کار دارد از

انسانیت خود بریزند و با این حکم، باید زندان بروند و اعدام شوند! این اما تقلاهایی آشکارا از سر بی افقی است. رژیمی که نان شب شهروندان یک مملکت را گرو گرفته است، نمی تواند با حکم زندان، شکنجه و اعدام آن جامعه را به سکوت وادارد. سران رژیمی که هنوز نتوانسته این نکته بدیهی را متوجه شوند که شاید بتوان با سرکوب از ابراز وجود و اظهارنظر علنی فعالین و احزاب سیاسی در داخل کشور جلوگیری کرد، اما خشم و نفرت مردم را که دیگر نمی شود با سرکوب از بین برد! دیگر حتی راه حکومت کردن از امروز به فردایش را هم گم کرده است. خشم مردم را فقط با رضایت از وضعیت زندگی خودشان می شود کاهش داد. چیزی که در دست می رود. مگر می شود با این مردم طرف شد. مگر می شود روی مردم گلوله گرفت و اگر این کار را کرد، بهتر که نمی شود بدتر می شود. ولی شما دیدید که ...!"

باید به این آخوند خرفت و مفتخور حکومت گفت که بله، ما و تمام مردم جهان دیدیم که چگونه جوانان و مردم معترضی را که این حکومت اسلامی شما را نمی خواستند، در خیابان ها به وحشیانه ترین اشکال ممکن به گلوله بستید. دیدیم که چه وحشیگریها، جنایات، شکنجه ها و تجاوزها که در زندان ها و سایر سلاخ خانه هایتان کردید و چه دادگاههای نمایشی که برای تحمیل و تحریف مردم براه نیاندختید. دیدیم و داریم می بینیم که چطور باز هم وحشیگریهایتان در سالهای آغازین روی کار آمدن حاکمیت منحوسان به یادتان افتاده و چگونه مخالفین سیاسی و غیرسیاسی خودتان دارید اعدام می کنید تا بتوانید خودتان را نجات دهید و با اینحال، نمی توانید. شما آدمکشان با تمام بند و بساط کشتار و دزدی و غارت مذهبی خودتان به آخر خط رسیده اید.

جمهوری اسلامی حکومتی است که امروز دیگر تک تک مقاماتش دارند به بهترین شیوه های ممکن، توضیح می دهند که دعوی اصلی شان با مردم بر سر چیست. حکومت اسلامی نباید باشد! جنتی و لاریجانی و تمام مقامات حکومت سنگسار و اعدام بدرستی دارند اعتراف می کنند که دعوی این حکومت با مردم بر سر

صادر کننده حکمی در بین قضات اسلامی به چهار ماه سرپا ماندن رژیمش مطمئن نیست. حکم ۲۰ سال زندان برای یک کارگر یک عکس گرفتن با پز دروغین برای ارباب و نمایش کاذب قدرت است. مبارزه جدی و سراسری و گسترده برای آزادی فوری بهنام ابراهیم زاده و همه زندانیان سیاسی و بویژه برای در هم شکستن ماشین اعدام حکومت را باید فعالانه به جریان انداخت. نمیگذاریم و نباید بگذاریم که جامعه را با جنایت و توحش مرعوب کنند. همانطور که در چند سال گذشته نگذاشتیم. این حکومت با تمام توحشش باید گوش را گم کند و جامعه نفسی بکشد.\*

بی حد و حصری که بر جامعه تحمیل کرده است، باید بساطش را جمع کند. پایان کار حکومت مذهبی فرا رسیده است و این در عین حال، می تواند شروعی باشد برای به صحنه آمدن و اوج گرفتن آن اپوزیسیون ضد مذهب، چپ، رادیکال و سوسیالیستی که در اوج اتفاقات خیابانی سال گذشته اعلام نمود: "تظاهرات متعلق به کسانی است که می گویند مذهب باید از حکومت، از قوانین، از آموزش و پرورش جدا باشد... تظاهرات ما برابری طلبان بی حجاب است."\*

## اطلاعیه تلویزیون کانال جدید در باره تغییر فرکانس

بود. فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید را به اطلاع دوستان آشنایان خود برسانید.

مشخصات جدید برای دریافت کانال جدید:

هات برد ۸، فرکانس: ۱۱۶۰۴  
اف ای سی: ۵/۶  
پلاریزاسیون: افقی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰  
روابط عمومی تلویزیون کانال جدید  
۲۶ دسامبر ۲۰۱۰

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!